

پرستشگاهای خود رفته شکره سلامتی و دقای خیر در حق اعلیحضرت نمودند - در آن روز قصابان مسلمان از ذبح نمودن گاو و گوسفند توقف داشتند و بدین سبب روز مزبور در دهلی مرغ بسیار ذبح شد - شب در (چوک - بازار) چراغبانی مفصل بود و اداره بادیه در میدان مقابل مسجد جامع آتعبازی خوب نمود و جمع زیادی از خارجه و داخله مشغول به تماشا بودند آرایش شهر دهلی خیلی تماشا داشت

دفاطه راه آهن حجاز در حیدرآباد

از جانب جناب دوللو نظامتو حسن حسنی باشا وزیر بحریه و رئیس کمیسیون راه آهن حجاز بتاریخ (۶) ربیع الاول خطی رسیده در آن خط دومین فهرست نشانهائیکه از ملاحظه اعلیحضرت اقدس سلطانی گذشته و منظور شده و بتوسط سفارت دولت انگلیس ارسال گردیده ذکر بود - ذیلاً آنها را میفکاریم تاکنون نشانهائیکه در فهرست اول اشاره و بتوسط سفیر انگلیس فرستاده شده بود نرسیده یقین است نشانهای هر دو فهرست عماریب خواهد رسید این نشانه خاصه معاونین دفتر راه آهن حجاز در حیدرآباد است

فهرست دوم نشانهائیکه معاونین راه آهن حجاز در حیدرآباد دکن داده شده

نمبر نام	رویه نشان
۴۰	والده محمد زماخان صاحب کتبه دار ضلع تلارک ۲۰۰ تنکلی
۴۱	نواب سکندر یار جنک سادر ۱۶۵
۴۲	قدرت الله صاحب آملقهار دوم ورنکل ۴۰۱
۴۳	میر شجاع علیخان صاحب کتبه دار اورنگ آباد ۱۵۰
۴۴	فضل احمد خان صاحب شاه جهان پوری ۱۰۰
۴۵	حکیم سید فرزند علی صاحب انسر الاطباء سهیال ۱۰۰
۴۶	کرم داد خان صاحب ساکن اندور مالوه ۱۰۰
۴۷	مولوی فضل حسن صاحب ساکن اندور مالوه ۱۰۰
۴۸	محمد زماخان صاحب کتبه دار ضلع تلارک ۱۰۰
۴۹	لو کاتام ساکن ورنکل ۸۹
۵۰	محمد جعفر صاحب قریشی آبکاری من مضافات
لیکسوکر	۱۲۹
۵۱	محبوب النساء یکم صاحب حیدرآبادی ۷۵
۵۲	میر مظفر الدین خان صاحب حیدرآبادی ۷۵
۵۳	حاجی محمد مهر صاحب سوداگر کلبرکه ۱۰۰

فریب و دفا

در محکمه مولوی سراج الحق در عدالت پلیس چلیور کلکته جوانی از خاندان شرقای طایفه (چتلا)

موسوم به (بهوتی موهن رای) بایکی از رفقایش (این نامه بهنجایا) بجرم فریب و دفا حاضر پلیس گردیدند ملزمین چندی قبل در دکان زنی از اهلی (بهوانیسور) بام طلارفته شمش مطلقاً را بهقتصد رویه کرو گذاشتند چندی ازین واقعه گذشته چند نفر بدان زن گفته که از این معامله باخبر باشد و قیمت شیء مرهون را دریافت کن - ضعیفه شمش مطلقاً را برای محک نزد سراف آورده وزن نموده بمحک زد معلوم شد که شمش برنجی است مذهب نموده اند حاکم پلیس حکم شش ماه حبس سخت و بانصد رویه جرمانه بر هر یک جاری نمود و اگر جرمانه را ادا نمایند شش ماه دیگر حبس سخت مزید بر آن مدت شود ملزمین بعدالت بالا استیناف کرده بعد از ضمانت یک هزار رویه از هر یک رهائی یافته تا مجدداً رسیدگی درین مقدمه شده حکم نانی از عدالت صادر کرده

وزرای جدید انگلستان و اعضای (شورای خاصه شاهانه)

(مستر بالفور) صدر اعظم - (لارد هالس بری) لارد جن سلر یا دیوان اعلی - (دیوک آف دون شایر) رئیس دارالشورای دولتی - (مستر اکر کلس) وزیر داخله - (لارد لندسدون) وزیر خارجه (مستر چبرلین) وزیر مستعمرات (مستر ادریک) وزیر جنک (لارد جارج هملتن) وزیر هند (لارد سلبرن) وزیر بحریه (مستر بیچی) وزیر مالی (لاد اشپون) میشکار آیرلند - (مستر ویندیم) مستوفی آیرلند (لارد بالفور آف برلی) مستوفی اسکات لند (مستر جرانک بالفور) وزیر تجارت - (مستر لانک) حاکم بلدی - (مستر هن بری) وزیر زراعت (لارد لندن دری) وزیر معارف - (مستر آستن چبرلین) وزیر پستخانجات (لارد دولی) فرمان فرمای آیرلند ولی خصوصیت در شرکت مشاوره خاصه شاهانه ندارد مگر (مستر ویندیم) مستوفی آیرلند از اعضای شورای ملوکانه است

حادثة

چهار شبه ششم شهر جاری جهاز (دب بدل) که وزنش (۲۴۰۶) تن و باجاره (سرسز بره اند کبفی) بود زغال سنگ حمل نموده از کلکته عزم سفر بندر (سورابیه) جزیره جاره داشت از بندرگاه

(کاردن ریج) بحراست (سترکرن) معلم و (مستر اون) که حرکتی جهاز بودند لنگر کشیده روانه گردید این جهاز در عمق (۲۰) فیت و ده (انچ) که هشت ذرع و نیم شاه باشد کتر در آب نمیتوانست حرکت کند رودخانه هولکی شاخ رودکنک ارای جز رومد است در آن وقت که جهاز مزبور داخل در خور شد و قریب به تل ریک (پیرسارنگ) که در ته آب است رسیده بفتناً به تل خور بیک پهلو غلطید - از نقشه رودخانه هولکی معلوم شد که چون جزر بود از (۲۲) فیت عمق آب بیشتر نبوده و جهاز می ایست ساعتی قبل که (۲۱) فیت رودخانه عمق داشت بگذرد - آنانیکه برسطحه جهاز بودند به طرفیکه از آب مرتفع شده خود را نجات دادند - و بشقت زیاد یکی از جالیبوتها را که در جهاز بود بائین آورده کپتان جهاز (کپتان لی و انصر اعلی) (مستر دبل) و افسرانی (مستر لایل) و انجلیراول و دوم و (مستر اون) و دیگران و چند نفر خلاصی سوار شده خود را بکنار کشیدند - (مسترکرن) معلم را یکی از کشتیهای بومی که بمدد جهاز رسیده بود نجات داد - اکثر از خلاصان چون جهاز بیک پهلو غلطید خود را در آب انداخته بکنار رسانیدند - انجلیرسوم مستر ابن سن) در وقت حادثه دو اطاق آتش خانه بود معلوم نیست که از اطاق بیرون آمده یا اینکه خود را در آب انداخته چون دست آب نداشت شاید ضریق شده است

علاج برق زده

چون درین ایام هواهای تند میزند و برقهایی صحت میزند بیان این امر عالی از قائده نیست این امر مشهود که برق بر هر کس زده او را بی حس و حرکت کرده بقسمی که غالباً تصور هلاکت در او رفته نفس او را سوزانده یا دفن نموده اند

اخبار (پیراکو) تحقیق کرده پس از تجربه زیاد مینویسد که در از منه سلف یکی از ماهرین علم مقناطیسی را عقیده بر این بود که اگر برق زده علاج شود صحت میتواند یافت - حکیم موصوف بیان میکنند همین که برق کسی را زد فوراً نمیکشد بدو بی حس و حرکت میکنند مانند ضریق را که از آب بیرون آرند ولو اینکه دارای حس و حرکتی نیست ولی اگر

مدت ضریق طولی نباشد بتدایر عملی بهوش میتوان آورد برق زده نیز حکم ضریق را دارد که فوری بی حس و حرکت میشود ولی نباید از حیات او مأیوس گردید اخبار مذکور میگوید که جمعی از برق زدگان بی حس علاج شده اند ولی نباید مدتی طولی آزاوبگذرد اخبار مذکور علاج برق زده را بدین قسم مینویسد که بدو باید سهی کرده که حرکت در قلب او پیدا کرده و دوران خون حاصل شود و بجهت پیدا کردن حرکت قلب این طریق را مفید بیان کرده که جنب سفلی پهلورا آهسته آهسته فی دقیقه (۲۰) نوبت افکار دهند و موقوف دارند - اگر ساعتی این عمل تکرار شود احساس حرکت در قلب برق زده تواند شد سپس پارچه های پشمی را گرم نموده بر پهلوی او گذارند یا آب گرم در شیشه کرده بر جنب او نهند در حین ضرورت آجر را هم اگر گرم نموده بر پهلوی گذارند مفید است دست و پای برق زده را مکرر بطرف بالا بکشند تا در دل و دماغ او دوران خون ظاهر شود چند نفر باید از برق زده منفک نموده این اعمال را مکرر کنند و متصل دست بر بدن وی بکشند ولی در کمال زمی و آهستگی اخبار مزبور مینویسد که اگر عرق یا شراب با قدری آب مزوج نموده یا قهوه گرم به برق زده بنوشانند نیز مفید است چون برق زده بهوش آید آرامش گذارند تا خواب بر او غلبه کند سپس برای معالجات دیگر رجوع برای ها کتر کنند مقصود این است که بی حس و حرکت نمودن از خواص قوای برقیه است بمجردیکه برق زده بی حس و حرکت شد نباید از حیات او مأیوس گردیده ترك تدایر لازمه صحت او را کرد چه بسیاری ازین تدایر صحت یافته علاج شده اند

اخبارات خارجه

§ نامه نگار (طمس) از (جو هانسبرک) می نویسد که حکومت ترانسوال را اراده بر این امت که رطایبی برطانیه را که از سبب جنگ صدمه رسیده تاوان و خساره داده شود

§ رسماً اشاعت یافته که راه آهن شمال مغربی انگلستان را از نو ترمیم خواهند نمود و در شاخهائیکه بذریعه دخانی آمدو شد میشد نیز قوه مقناطیسی معمول خواهند داشت

﴿ اخبارات داخله ﴾

§ در (مالاکنڈ) ۲۹ جولای طوفان شدید شده کرد و غباری زیادی برخاست این طوفان را ابرو باران توام بود و زراعت زیادی که بر لب رودخانه بود آب برد نمود

§ اعضای حکومت پنجاب در (۲۷) اکتوبر مراجعت به لاهور خواهند نمود

§ در ۵ اسماعیل خان سه نوبت احساس زلزله شد ساعت ده و سی و شش دقیقه این زلزله محسوس گردید و تا یک نایه حرکت زمین قائم بود حرکت زمین از جانب شرق بغرب بود است

§ خبر تلگرافی که ده ازمه ماه حال از دار جیلینگ رسیده منکشف مبدارده (۳۸) ساعت متوالی باران شدید باریده ولی نقصان به نفوس نرسانده صرف راه های آهن (دریا - و کرسناک) طراب و بل (بنستا) منهدم گردیده است

§ مسلمانان برار انعقاد مجلس نموده نواب سلیم الله خان بهادر را رئیس هیئت کیسیون مخصوص منتخب نموده اند که از جانب مسلمانان در دربار دملی محضور فرمانرما خطا تهریکه پیش نماید

﴿ کلمه کلمه ﴾

هوای کلمه در کال کرمی است - و امراض مختلفه از قبیل تب و زکام خلی شیوع یافته در هراج جا این هفته که بتاریخ (۱۵) آگست شد (۱۳۱۹۳۲) صندوق جاں بفروش رسید بازار مثل هفته گذشته گرم بود و مال وسط یک پسه فی رطل بیشتره فروش رفت

چون دیروز مصادی اچهم مرحوم خدادآغبان حاجی سید صادق ناصر شوشتری ود در خانه جناب مستطاب . . . آقا سید محمد علی صاحب تاجر شوشتری فرزند ارشد ایشان حسب دعوت آقای موسوف و جناب مستطاب . . . آقا سید حسین صاحب تاجر شوشتری دومین فرزند آخر حوم . انعقاد مجلس روضه خوانی و اطعام مساکین وغیره بطور با فکرمی شد - جمیع همایند و رجال محترم اسلامی از هر طبقه و طبایفه مدعو بودند خداوند باز مائدهکان آن مرحوم را سلامت دارد

§ در کالک ژاپون حساب نموده اند که مفتصد و پنجاه و هفت نفر دعوات مسیحی از زن و مرد سکونت دارند سال گذشته هزار و یکصد سی نفر را در دائره دین مسیحی داخل نمودند عده عیسویان ژاپون (۴۳) هزار و چهار صد پنجاه و یک نفر اند و چهار صد و سی و سه کلیسامو خود دارند

§ حکومت جنوب افریقا (نارد ملتر) شمشیر ذمی قیمتی بمناسبت عزت و انتخار (لار دکنر) در صله خدمت او در جنگ ترالسوال اعطا نموده است

§ بین ترالسوال ، آرنج حکم به پیمایش اراضی برای ساختن راه آهن از طرف حکومت داده شده است § در اداره (مستعمرات) لندن درباره تنظیم آفریقای جنوبی کانفرس مخصوص قائم شده درین کانفرس (منر جبرلین) و جنرل (بوتها) و جنرل (دلری) و (لیوکاس میر) که سرداران بزرگ بوئرانند نیز شرکت خواهند داشت

§ برای اطمانه زار این فکر در غربالهند پارلمان انگلیس هویست و پنجاه هزار کلمنطور نموده است § وزیر جنگ انگلستان این اسرار تسلیم نموده که توپهای آلمانی بعد از دفع نقائص ستر از توپهای انگلیس میباشد § این ایام در شهر نیویارک امریکا سرود کرما بدرجه بالا گرفته که بسیاری از شدت حرارت هلاک شده اند § مراسم که از مراکو رسیده ظاهر مبدارده که زلزله شدیدی در آنجا واقع شده است

§ یکی از تجار (استرلیا) برای مصارف ماهانه (جنرل دیوت) یک هزار ایرا قبول نموده که با ایامیکه مشغول بگردن است بابشان بدهد چه جنرل دیوت و چند نفر دیگر از سرداران بزرگ بوئر برای جمع نمودن وجه اطمانه بجهت مصیبت زدگان ترالسوال در اروپا و امریکا مطابق سفر را بر خود هموار نموده اند

§ کویا شاهزاده ولیمهد انگلستان و شهزاده خانم ایشان مصمم شده اند که همه ساله تا مدت معینی در وین قیام اختیار نمایند

§ خبریکه از (بونا) رسیده ظاهر مبدارده که ولیمهد دولت آلمان بجهت سیرو تفریح سوار اسپ شده سکندری خورده از یادرافتاده شاهزاده موسوف بزمن درآمده اند که صدمه یافته است

اعلان

دوچرخه های معروف و (افیلد) قیمتهای

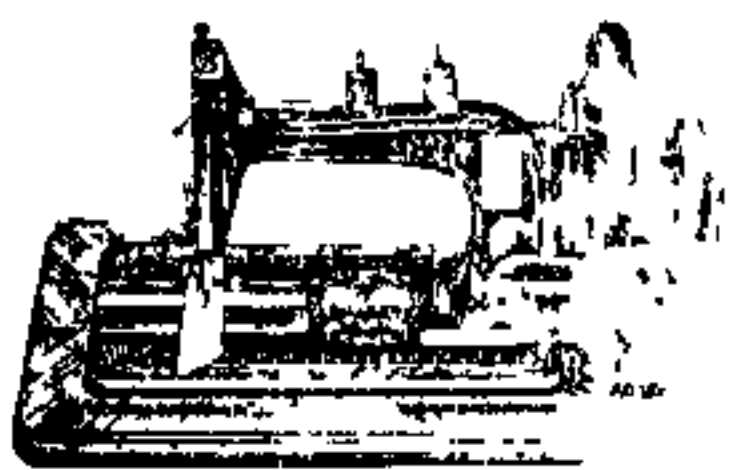
صحت بر آنها و همچنین اطفال - با ضمانت
در اسلحه ها دوچرخه های و بیس نکردن آنها با جمع
... ..



... ..
... ..
... ..
درین در شهر ... شرکت (افیلد)

The Enn ...
No. 11316.

تعمیر یوسانی بنا



کارخانه ایست که چرخ خیاطی و بازاری
را با ضمانت می فروشد
بسیار محکم و بی صدای تند و سبک کار و
بی مانند

اول کارخانه چرخ خیاطی است در روسیه
شرکت (پاپو و کپانی)

ادرس - در کوچه (از نامنکا) خانه خودش
تعرفه برای خواهانش فرستاده می شود

و ترقی بخشد که امروزه چشم ایرانیان کلدته مدتها
روشن است

دیروز در محکمه آنریبل سید محمدخان بهادر حاکم
محکمه پلیس علیپور (دلاورالدین شیخ) دانشنده قهقهه
(بستویور) را محرمه داغ نمودن زوجه خود از
آهن سرخ که دختری کسی بود حاضر نمودند -
شوهر قصی التلم رای آنکه روحه اش فدای از ضمه
اورا محبه خود داده نمود بود بنصب آه
پای اورا بسته بر سقف خانه معاق ...
کرده زیده حصه خدمت را ...
مختر هم ایگان جمع شده روی قمار ...
ویرا از دست آنظام رها کنند بهر سر بر ...
پلیس را خبر داده از صدمه و اذیت دختر ...
خانه برده شوهر بدست محله پلیس گرفتار کردند
در محکمه پلیس (بابو برود) بر شد پس چوده ...
که وکیل جایان از حب دو ... است اظهار داشت
که این ظلم خصوصیتی دارد که از ظلم های پیشین ...
گذشته - تقدماً مرغه ملتوی ما

اسباب و روش



کارخانه اسباب و روش و معوض سازی در شهر
(روش) متعلق به (سرف فراز) کارخانچی دربار
همبونی اعلیحضرت شاهنشاه ایران
یکی از مغازه ها در شهر مسکو در کوچه
(کوزلکی مست) در خانه (زاخارین) در هنگام
بازار مکاربه در شهر (پیرنا) در دویف (کلا و نایا
لیبان . او . نمره ۱۸)

ساما توزا



وضوح بوده باشد که محریک و تشریح اصل در وقت نایت کرده است که جهت دفع علف که خوبی دارد و در وقت صبحان که موجب تولید ضعف در بدن می شود و در وقت عصر (ساماتوزا) میباشد

این کرد محریک اشتباهی با این که در وقت صبحان و در وقت عصر و غلظت شیر و از زمان آن همه در وقت عصر که در وقت شیر آبل شرط است میباشد

این کرد موسوم به (ساما توزا) در وقت صبح و در وقت عصر و در وقت شام در وقت فروشی بمصرف فروش می رسد

شرح خواص آن کرد مذکور در وقت صبح و در وقت عصر و در وقت شام در وقت فروشی بمصرف فروش می رسد
آنانکه مال بکس اطلاع از این خبر می رسد در وقت صبح و در وقت عصر و در وقت شام در وقت فروشی بمصرف فروش می رسد
آدرس: (مردوک ایرو و ایوان) در شهر - در محل (استار یا پلشجاد) خانه (آرماند)

No. 950

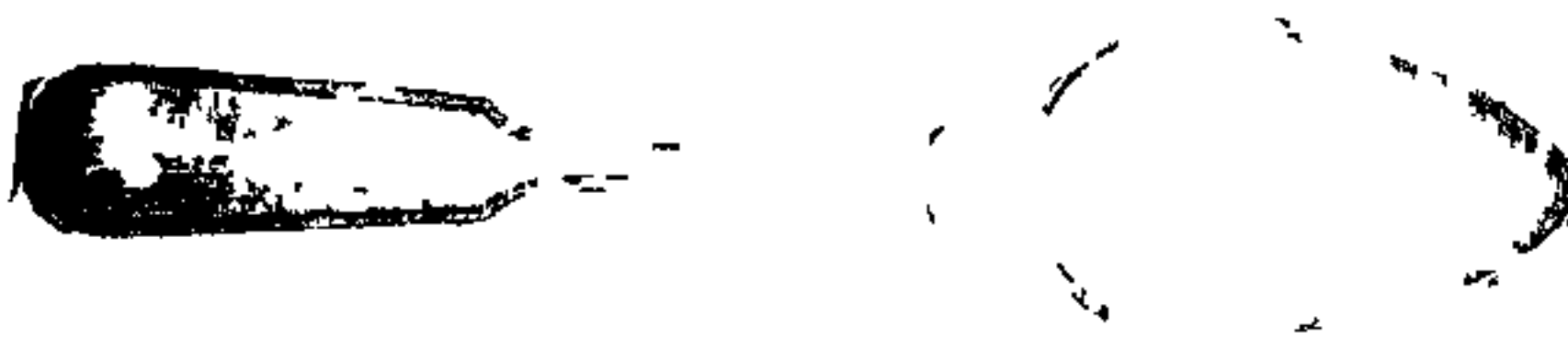
کارخانه اسلحه و ریفوس (برند سکی)

کارخانه اسلحه و ریفوس (برند سکی)

مابین مدتی در شهر تهران در وقت صبح و در وقت عصر و در وقت شام در وقت فروشی بمصرف فروش می رسد



در شبکه مکار (برند سکی) در وقت صبح و در وقت عصر و در وقت شام در وقت فروشی بمصرف فروش می رسد



کارخانه (آرتور و کورن) معرفی میکند ظروف و اشیاء در وقت صبح و در وقت عصر و در وقت شام در وقت فروشی بمصرف فروش می رسد

که از فاز سفید اسلحه موسوم به (الفا) در وقت صبح و در وقت عصر و در وقت شام در وقت فروشی بمصرف فروش می رسد
که استعمال کنندگان این قسم ظروف را در وقت صبح و در وقت عصر و در وقت شام در وقت فروشی بمصرف فروش می رسد
خواه از خود فلز صاف شده و جهت ازار صاف ساخته شده از دیال (ساورها) و (سینیها) و (جائیدها) و (فندها) و (سکیم) و (آنها لکن) و (غایانها) و غیره و انواع ظروف جهت آشپزخانه نیز بیکل اصل

وکیل این کارخانه جهت طهران (ویلم بومان) در طهران میباشد
کتابچه مصور بتصویر اشیاء مذکوره بجایاً برای طالبان فرستاده میشود

No. 95151.

قیمت پنبه در دوم آگست

نرخ پنبه دولار (لوربول) با یکدرجه کسب و نسیه زیادی
 وارد شده فروش پنبه دولار (لوربول) (۱۰۰۰) است
 ۵۰۰ (۵۰۰) است
 ۱۰۰۰ (۱۰۰۰) است
 قیمت پنبه متوسط (امریکا) در (لوربول) - رسی
 چهار پست و هشت و هشت
 قیمت آینده ماهه که مهی و ماهه شده است
 در ماه آگست - و پنبه - رسی چهار پست و هشت
 پنج اوشب و چهار
 در ماه سپتامبر - و کبوتر - رسی چهار پست و هشت
 پنج اوشب و چهار
 در ماه اکتوبر - و رسی - رسی چهار پست و هشت
 اوشب و چهار
 در ماه نومبر - و دسمبر - رسی چهار پست و هشت
 اوشب و چهار
 در ماه دسمبر - و جنوری - رسی چهار پست و هشت
 اوشب و چهار
 در ماه جنوری - و فروری - رسی چهار پست و هشت
 اوشب و چهار
 در ماه فروری - و مارچ - رسی چهار پست و هشت
 اوشب و چهار
 در ماه مارچ - و اپریل - رسی چهار پست و هشت
 اوشب و چهار
 در ماه اپریل (سومار) -
 ۴۰۰۰ (۴۰۰۰) است
 ۱۰۰ (۱۰۰) است
 در آمریکا - ۱۰۰ (۱۰۰) است
 در بلاد اندو - [۵] است

شرح احرف طبع کتب و غیره

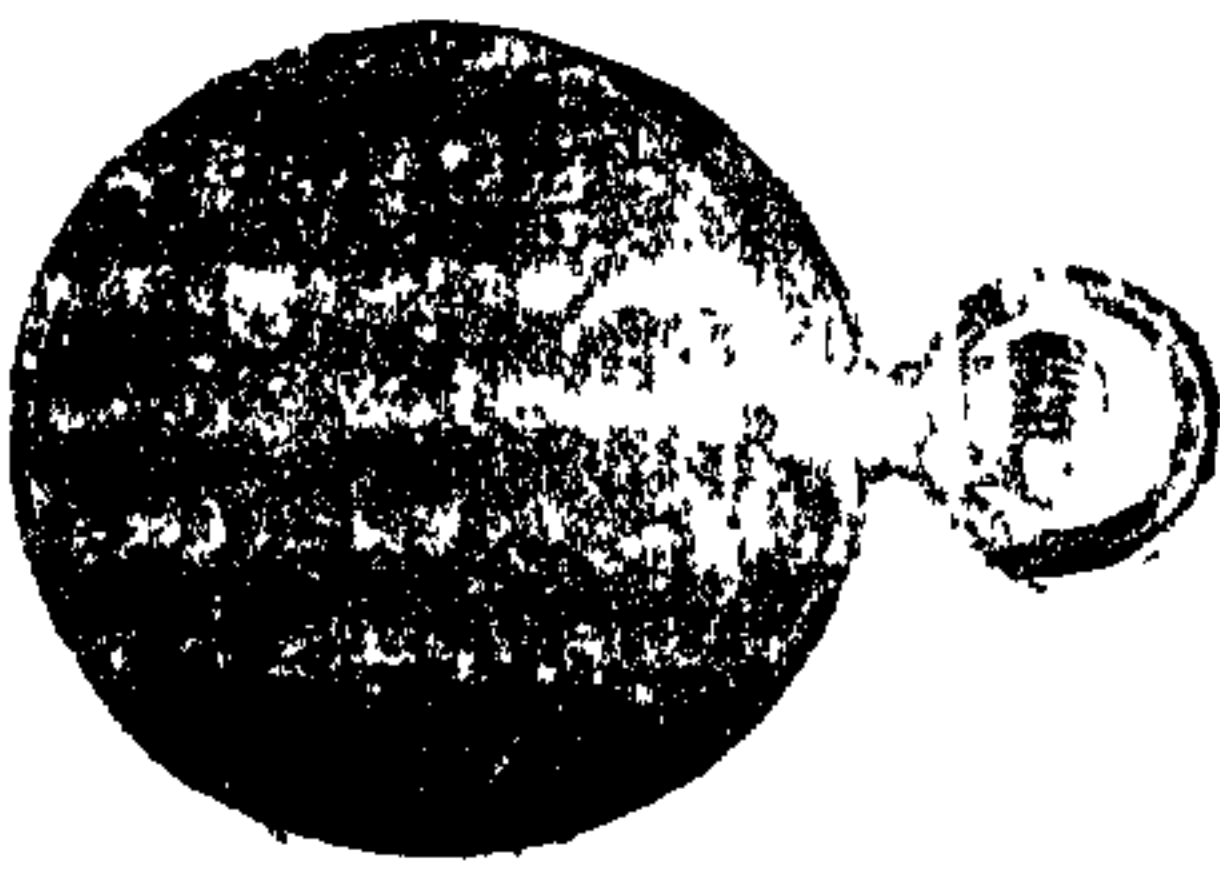
اعضای طبع شرایط دلی برای طبع هر کتب
 کتب هندی - فارسی - اردو - و غیره حاضرند
 (اول) - اجرتیکه زیاد - ربح کم معینند
 فقط برای نوشتن - حروف چین و صبح کردن
 کتاب است - قیمت آن در احرف هندی و خطبه‌دی
 غیره مذکور مالک کتاب میباشد - ولی احرفی مطبع
 حاضر اند که هر قسم در آنرا العمل داده شود تمهیل نمایند
 (دوم) مطبع دمه‌دار هفت مطبوعات خود مطابق
 نسخه اصل است
 (سوم) - معانی یک حروف را چهار صفحه
 یا و در حروف تین قرار داده ایم - اهم بر اینست که
 معانی تمام را چهار صفحه یا هشت صفحه و یا شانزده
 صفحه قرار دهند یک جزو محسوب خواهد شد -

اثر اندکی یعنی تا نیم رنج - رنج کره قطع کاغذ کم
 یا بیش باشد بهمین اجرت محسوب خواهد بود
 (چهارم) حروف درشت و متوسط و ریزه از
 ملاحظه لوحه اخبار حبل‌المتین ظاهر میتواند شد
 (پنجم) - همه مطبوعات سنتی مطبع اعم از
 - - - - -
 در ماه آگست - و پنبه - رسی چهار پست و هشت
 در ماه سپتامبر - و کبوتر - رسی چهار پست و هشت
 در ماه اکتوبر - و رسی - رسی چهار پست و هشت
 در ماه نومبر - و دسمبر - رسی چهار پست و هشت
 در ماه دسمبر - و جنوری - رسی چهار پست و هشت
 در ماه جنوری - و فروری - رسی چهار پست و هشت
 در ماه فروری - و مارچ - رسی چهار پست و هشت
 در ماه مارچ - و اپریل - رسی چهار پست و هشت
 در ماه اپریل (سومار) -
 ۴۰۰۰ (۴۰۰۰) است
 ۱۰۰ (۱۰۰) است
 در آمریکا - ۱۰۰ (۱۰۰) است
 در بلاد اندو - [۵] است

مردم	مردم	مردم	مردم
مردم	مردم	مردم	مردم
مردم	مردم	مردم	مردم
مردم	مردم	مردم	مردم

توضیح احرف

این کتاب در سال ۱۳۰۰ در آمریکا صادر شده که نشانه
 آن دیالاً موحود است - فاب ن دار و شیشه است در
 بدین وقت دقت روی مسدود - در حرارت این - است همین مس
 تا در عرض سال حرارت رسد می شود - و لو اینکه در شکاف
 تا در عرض هم رسد - و اگر در دستم بیوفد آلات او حراب
 بیاوردند - رسد و بی رصاعین مشهور می‌باشد ساخته
 در سال ۱۳۰۰ در آمریکا و سایر بلاد در سال ۱۳۰۰ در
 ارجح است که در سال ۱۳۰۰ در آمریکا و سایر بلاد در
 ساعت برده - با دردن فاب شود پس و پیش نمودن عقرب
 هم در همان دسه است - بی ساعت مثل قره از دور جلوه
 می‌دهد - در زمان هر دین می شود اگر حراب شود تا آسانی
 باه تمهیش ممکن است در نشان دادن وقت لاتی و مقابله
 ساعت های تک و غیره بی عیب - قیمت هر دانه این
 ساعت پنج روپیه بدول حرث است - وصفت هم برای
 کمال داده می‌شود - که ساعت را شکند و عیب خارجی
 پیدا به عیب هر مش بدیده فرو شده خواهد بود - هر کس
 حواسگردانند بدریقه مینور اداره حل‌المتین میتواند طلب نمود
 (مینور دارد حل‌المتین) محمد حواد شیرازی



اداره: نجف المنین
مذبحان: کالج استویتی نمبر ۴

پروگرام مطبوعه
(سنة ۱۳۱۸)

قیمت اشتراك
(سالانه - شش ماهه)

کلیه امور اداره
(بامدی رکل مؤید الاسلام است)

قبل از دریافت نمودن قبض مخصوصه اداره هیچ يك از خریداران نباید قیمت اخبار را بامدی تسلیم نمایند

هند - و برمه
(۱۲ روپه - ۷ روپه)

منیجر اداره
(آقا محمد جواد شیرازی است)



ایران - افغانستان
(۴۰ قران - ۲۵ قران)

هر دوشنبه طبع
(و سه شنبه توزیع میشود)

عثمانی - و مصر
(۵ مجیدی - ۳ مجیدی)

ذمه دار صحت و سقم اطلاعاتیکه در اخبار داده میشود همان کسانی میباشد که اعلان داده اند

بتاریخ دوشنبه
(۲۰ جمادی الاول ۱۳۲۰ هجری)

اروپا - و چین
(۲۵ فرنک - ۱۵ فرنک)

مصادف با
(۲۵ اگست ۱۹۰۲ میلادی)

روسیه و ترکستان
(۱۰ منات - ۶ منات)

اجرای اداره ذمه داره صحت و سقم عنواناتی هستند که از طرف خود میکنند نه عناوین وقایع نگاران و صاحبان مکاتب و منقولات یا ترجمه از سایر جراید

(در این جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملای بحث میشود)
(مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

فهرست مضامین

- تلکرافات • ورود موبک شاهانه • کشمیر • مزاج فعلی • ابن الرشید • فریب و وفا • بدبختی مسلمانان • دزدانسان نوش • دهلی • قصیده وطنیه • داستان روسیا • مقاله یکی از فضلاء نام دار • کیسیون تعلیم هندوستان • مکتوب وطن پرست ایرانی • مکتوب از بغداد • انکشاف کتب خانه جدید در شام • نقل از روز نامه مظفری • خیر مقدم • حالات تاریخی مسلمانان مجمع الجزائر • استحکام جدید • مکتوب بوشهر • طویل العمر • اخبارات خارجه • اخبارات داخله • کلکته

تلکرافات

(شانزدهم آگست)

شهر (نینت سن) را دول عظام بدولت چین تسلیم نمودند
 در جواب تهلیت نامه (پورنس مونه) اعلیحضرت (ادورد هفتم) بدین طریق تقریر فرمودند -
 طبعته ایامی است که ما با جمیع دول همجوار اتحاد داریم و جشن تاجگذاری که در تمام ممالک عروسه گرفته شد داریم ما را وامیدارد که از نوسی در ترقی سلطنتی که

بارت یافته ایم به نایم - و درباره خود فرمودند که احلاس و محبت اهالی مملکت که محوشدنی نیست در دل نه جای گرفته و هماره محرکسی ما برای بهبودی ممالک عروسه خواهد بود
 اعلیحضرت (ادورد هفتم) برسطحه جهاز (البرت) صلیب برنجی نصب نموده و در آن این عبارت منقوش است (این جهاز حامل جسد ناریس) (و کتوریا) از اول الی دوم فروری سنة (۱۹۰۱) عیسوی بود
 اعلیحضرت (ادورد هفتم) صلیب طلائی را بطریق هدیه تاجگذاری به کشیش بزرگ کاتولیک (رست منسراب) اعطا نمودند -

جهازات جنگی سرداری شش امیر البحر در جشن تاجگذاری موجود و مشق نمایانی نمودند -
 تماشای خوبی داشت - هوا صاف و لطیف بود -
 تماشایان در کنار دریا و کشتیا ازدحام نموده بودند -
 جهاز حامل شاه و وزیر بحریه بساعت يك از دست گذشته از (کوز) لنگر برداشته روانه (اسپت هد) شدند و از میان صفت جهازات گذشته بهر جهازی که میرسیدند سلام نظامی بشلیک انواب میداد پس از آن قریب بمحلی که حامل علم بود لنگر انداخته مشغول تماشای مشق شده تمام جهازات يك دفعه سلام نظامی رسانه بشلیک انواب دادند -

§ جنرالهای بوئر در تماشای مشق جہازات حرکت نموده روانه لندن شدند - پس از ورودشان در بندر (موتہ همتن) برجہاز (نایبکبریا) رفتہ در آنجا با (سترچبرلین) وزیر مستعمرات و (لارڈ رابرت) و (لارڈ کنچر) ملاقات نموده زمان قلیل بایکدیگر صحبت داشتند - مستوفی جنرال (بوٹھا) اظهار داشت کہ بسبب حسنی جنرالهای بوئر نتوانستند در نمایش مشق جہازات شرکت نمایند - ولی بسیار خوشنود خواهند شد اسکر اعلیحضرت (ادور دہفتم) بار حضور بدینان مرحمت فرماید

(ہفتم آگست)

§ چراغان جہازات بسبب طوفان شدید بی موقع بی رولق شد - تماشائیکہ در کنار دریا مشغول بہ تماشا بودند از شدت باران سرتاپا تر شدند -

§ جنرالهای بوئر بحسب خواہش اعلیحضرت بادشاہ انگلستان در معیت (ممترفرورا) از لندن روانه (کوز) شدہ کہ در جہاز با اعلیحضرت (ادور دہفتم) ملاقات نمایند -

§ جنرالهای بوئر از پذیرائی اعلیحضرت (ادور دہفتم) بسیار خوشنود شدہ اشب مراجعت بلندن خواهند نمود

(ہجدهم آگست)

§ در مشق جہازات جنکی (اسپت ہد) چون کشتی اعلیحضرت بجہازات جنکی دولت ژاپون رسید بنظر اعزاز بسیار آہستہ حرکت نمود -

§ قشون جزیرہ سیلان بر جہاز (اوفیر) مراجعت باوطان خویش نمودند -

§ (لارڈ رابرت) و (لارڈ کنچر) با جنرالهای بوئر در (موتہ همتن) ملاقات نموده بر جہاز (رایلہ قایر) روانه (کوز) شدند - (لارڈ کنچر) جنرالہارا با اعلیحضرت معرفی نمود و اعلیحضرت بشفقت تمام ایشانرا پذیرائی فرمود - گفتگو غیر رسمی بود و درباره بلنیک و سیاست ملکی سخن نرفت - اعلیحضرت نسبت بہ شجاعت و استقامت بوئران در میدان جنگ و شفقت شان نسبت بہ اسرا و مجروحین قشون انگلیس سخن در میان آورد - و پس از ربع ساعت ایشان را مرحلخص فرمود - جنرالهای بوئر با (لارڈ کنچر) بر جہاز (وایدقایر) صرف نهار نموده و پس از آن تماشای

جہازات جنکی را در (اسپت ہد) کردند
§ مخبر روزنامہ (طمس) از (ٹنکھائو) خبر میدہد کہ بر عہدنامہ کرک چین روز قبلہ سفرای دولت انگلیس - امریکا - آلمان - ژاپون! بی پروا یا نہ صحیح نمودند و سفرای اطریس - بلجیک - ہولاند - صحیح نمودند بشرط اقبال وزرای دولتشان - رجال دولت چین نمی توانستند بی اجازت اعلیحضرت امپراطور امضا کنند و دہوی دولت (پرتکس) بر اشکال آیندہ این معاملہ مبالغہ زیادہ
§ جنرالهای بوئر بر جہاز دولت (ہولاند) روانه (ہیک) شدہ ارادہ دارند بمجلت مراجعت بلندن نمایند -

(نوزدهم آگست)

§ جنرالهای بوئر خوشنودی خود را از پذیرائی اہل لندن اظهار داشتہ و دعوت رسامہ صککہ از جانب دولت در مشق قشون جہازات جنکی ایشان شدہ بود و قبول نمودند جبہہ این بود کہ فرصت نداشتند لباس مناسب مہیا نمایند - و ایشان بسیار خوشنود شدند کہ اجازت یافتند روز یکشنبہ پس از آنیکہ خریداری ضروریات شخص را نمودند بحضور اعلیحضرت (ادور دہفتم) شرفیاب شوند

§ جہازات جنکی ژاپون و سائر دول مراجعت باوطان خود نمودند

§ اعلیحضرت (ادور دہفتم) دہ ہزار لیرا کہ مہاراجہ (کوالیر) تقدیم نموده بود بدفتر اطانہ چارخاہہای لندن سپردند -

§ تمام باشندگان جزیرہ (کوانو) و (تاریشمیہ) کہ در شمال جزایر (انین) واقع و (۱۵۰) نفر بودند بسبب آتش افشانی کوم آتش فشان ہلاک شدند -

§ جنرالهای بوئر را در (راتردم) و (ہیک) بکرمجوشی تمام پذیرائی نمودند - جنرال (بوٹھا) در جواب خطبہ آنان گفت (ماہا نیامدہ ایم تفریح نایم ماہا وکیل قوم تہاہ شدہ میباشیم) جنرالہا چنان وا نمودند کہ محتمل است ایشان واقعات جنگ ترلسوال را شایع نمایند -

§ ہجسمہ (امپرا طریس فریدریک) را در (ہمبرک) اعلیحضرت امپراطور آلمان قائم نموده بالفاظ ہایت بیادکار امپراطریس لطق دادہ - اشارہ نمودند درباره تربیتی کہ امپراطریس در ایام طفولیت از اہل ان نموده

اظهار فرمودند که نتیجه آن در محکمت آلمان ظاهر و هویداست
(بیستم آگست)

§ اگرچه جنرالهای بوژرا در (راتردم) و (هیک)
مخلصانه پذیرائی نمودند ولی خلاف امید جمعیت کم بود
و اشتیاق زیادی ظاهر نشد - بر عکس انگلستان که
با جمعیت بسیار بکرمجوشی تمام پذیرائی شدند

§ بنا بر خواهش جنرال (بولر) اداره جنکی بیشتر
مراسلات تفکرانی بعد از جنگ (اسپاین کاپم) که بین
جنرال موسوف و (لارد رابرت) رد و بدل شده ظاهر
گردید که با وجود شکست یافتن در جنگ مذکور
(جنرال بولر) اندوه و مأیوسی که بعد از شکست یافتن
جنگ (کالان زو) یافت افاقه حاصل نمود - (جنرال
بولر) مخالفت نمود صلاحی را که (لارد رابرت) باو
تاده بود که اگر اعتماد بر فتح نداشت باشد برکنار
(شط تیوکله) توتف نماید تا زمانیکه (لارد رابرت)
حمله بر ولایت (آرنج) نماید - جنرال (بولر) یقین
نداشت که جنرال (سر جارج وایت) آنقدر اعتماد بر قلمه
داری خود دارد - چنانچه خود (سر جارج وایت)
ظاهر مینمود - روزنامهجات تصور میکنند که اشاعت
این تلگرافات مخفی در رایبانیکه سابق در این باره
زده شده نخواهد داد -

§ قشون (هنکانک) از راه امریکا و (سر - ای -
بارن) از راه (کلبدا) مراجعت مینمایند

§ دو فروند جہاز جنکی دولت ژاپون که برای
شرکت مشق جہازات جنکی در ایام تاجگذاری بلندن
آمده بودند الحال در بندر (کارک) در آیرلند میمان
اهالی میباشند و در بنادر دیگر نیز از قبل دولت
پذیرائی خواهند شد

§ جنرالهای بوژ در شهر (بوژرا) با (مستر کروگر)
ملاقات کرده مراجعت به (هیک) نمودند - ایشان
اراده سیاحت (مملکت اتریک) و (هولاند) را ترک
نموده بلندن مراجعت کرده با وزیر مستمرات درباره
تعلق دادن در انگلستان مشوره خواهند نمود

§ (داگترس فریدریک تریوز) بعد از آنیکه هشت
هفته کامل شبوروز در خدمت اعلیحضرت (ادورد
هفتم) حاضر بود مرخص شده - (داگترس فرولیس
لنک) در خدمت پادشاه حاضر ماند

(بیست - و یکم)

§ در افتتاح پارلمان کیپ حکومت در لطق خود
اظهار داشت که همینکه (بیل آف ایند منی - لایحه
مجازات) پذیرفته آید قانون عسکری را موقوف
خواهد داشت - لایحه پیش خواهند نمود که جزرطای
انگلیس در آسیا رطای دیگردول و فقرا و آتانیکه مبتلای
به امراض مکروه و مسر بهاند از دخول بمحاک آفریقای
جنوبی محروم باشند

§ متوی داشتن انتظام پذیرائی جنرالهای بوژ در
(امستردم) و بختاً تغییر دادن هم خود را در روانی
به (بریسل) برای شرکت نمودن در تشییع جنازه
جنرال (مایر) سردار متوی بوژ اهالی هولاند را در
حیرت افکنده محتمل است در (امستردم) بکلی ترک
پذیرائی جنرالهای بوژ را به نمایند

(بیست و دوم - اگست)

§ جہاز حامل قشون (ماتروز) وارد (ولنتن -
آستریا) شده دو نفر در دوران سفر رحلت و هفتاد و
چهار نفر مریض موجود دارد - تا بحال بیست نفر از
قشونیکه بر چهار (برنیاتیک) و چهارده نفر قشونیکه
بر جہاز (درین کرینج) وارد شده رحلت نموده اند
شهادتیکه در این باره در حضور کیسیور (آستریا) داده
شده دلالت میکند که از عدم انتظام و تدارک صفای
جہازات این حادثات بوقوع رسیده و این امر باندازه
ظاهر شده که مایه حیرت عمومی گردیده است -

§ (راس مقان) از بندر (مارسله فرانس) روانه
(عدن) شده که معاودت بوطن مألوف خود حقیقه
نماید -

➤ ورود موکب فرخنده کوکب اعلیحضرت

➤ شاهنشاه ایران در انگلستان بموجب تلگرافات

§ مقدم شهر جاری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه
قل ملک محروسه ایران وارد (دور) شدند - دو جہاز
جنکی در دو طرف جہاز اعلیحضرت شاهانه در عبور از
(انگلس چنل) محض احترام و پذیرائی حاضر بود شاهزاده
(آرثر آف کنات) از جانب اعلیحضرت (ادورد هفتم)
اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی را استقبال نمود -
§ هجدهم (برلس آف وین) شاهزاده ولیعهد انگلستان

اعلیحضرت شاهنشاهی را در لندن پذیرائی نمود
 اعلیحضرت شاهنشاهی با حشمت و شوکت ملوکانه سوار
 در شبکه گاهی شده دستة قشون حواریه (لایف گاردز)
 در رکاب شاهانه حرکت می نمودند. در کوچه و بازار قشون
 از هر طرف صف بسته مقام احترام بودند. و اهالی از
 روی مسرت (هورا) میکشیدند. تفرج کنان در مهمانخانه
 (مارل بره هوس) حرف نزول ارزانی فرمودند -
 § نوزدهم در قصر (بکنگهم) اعلیحضرت شاهنشاهی را
 مهمانی رسمانه نموده پرنس آف ویلز از جانب اعلیحضرت
 (ادورد هفتم) میزبان بود. (مستر بالفور) صدر اعظم و
 (لارڈ جارج هماتن) وزیر هند و (لارڈ لندون) وزیر
 خارجه و وزرای دیگر دولت انگلیس و نیز (لارڈ رابرت)
 و (لارڈ کننجر) در آن مهمانی شرکت داشتند

§ غالب روز نامه های لندن مقالهای دوستانه نوشته
 اتحاد دولین انگلیس و ایران را خواهان شده نیز
 امید می نمایند که ورود اعلیحضرت شاهنشاهی
 انگلستان از ما دفع خواهد کرد در ماده ایران محقریرا که
 در مسئله (پورت آرثر - بندر آرثر) چین بر ما وارد
 شد و محافظت خواهند نمود روابط اتحاد و تجارتی
 ما را در ممالک محروسه و غیره و غیره

§ بیستم اعلیحضرت شاهنشاه ایران در قصر (بکنگهم)
 به (مستر بالفور) صدر اعظم و اعضای شورای سلطنت
 و سفرای دول و معاصر رجال انگلستان بار حضور
 دادند - متصل بزرگان و هماند حاضر شده از ملاقات
 شاهانه بهره ور میگرددند

§ مأمورین اداره تلگراف هند و اروپا خطابه
 خیر مقدم را در صدووجه قره بسیار ممتازی گذاره
 تقدیم نمودند طاجزاه در آن خطابه شکریه حمایت و
 حفاظت سیم تلگراف را در ممالک محروسه ایران نموده
 بودند - شب اعلیحضرت شاهنشاهی در حالتیکه (پرنس
 آف ویلز) شاهزاده ولیمهد انگلستان نیز سمیت داشت
 در تماشای خانه (امپایر) تشریف بردند

§ اعلیحضرت شاهنشاهی برای تفرج از (گوز)
 برآمده امشب جهانشان در (پورت لند) انگر انداخت
 و فرما در (قال موته) و روز دانه در (پمپروک)
 تشریف خواهند داشت

§ هیئتی از جانب جماعت پاریسیان که (سرجعیدجی)

خیجی بهائی (مستر) و تاجا بهائی نوروز جی (مستر)
 (سر منجر جی بهائونگری) و (مستر مولاکادیا) و
 باژده نفر دیگر بودند بحضور اعلیحضرت شاهنشاهی
 بار حضور یافتند - و خطابه های چند از جانب جماعت
 پاریسیه بجئی و ایران پیش نموده شکریه سلطنت علیه
 ایران را من باب اینکه دولت علیه نظر مرحمت و
 محنت نسبت بر ظایق زردفق خود ابراز مینمایند بجای
 آورده (کسر - ام - بهائونگری) جماعت فارسیه را یک
 یک معرفی نمود و (سرجعیدجی خیجی بهائی) خطابه
 هارا تخرات کرد اعلیحضرت شاهنشاهی و الملک اعظم
 در جواب آن خطابه ها نطقهای مشتقانه دادند و ایشان
 را اطمینان بخشیدند که سبودی پاریسیان ایران را هاره
 مد نظر خواهند داشت -

§ اعلیحضرت شاهنشاهی بتماشای کارخانه توب سازی
 (حرهیم مکسیم) تشریف برده بدست مبارک خود
 از توب (مکسیم) سه شلیک نمودند

§ اعلیحضرت (ادورد هفتم) در (پورتس موته)
 باوجود قنالت شخصاً از جه از پیاده شده اعلیحضرت
 شاهنشاهی را استقبال و پذیرائی نمودند و سپس هو
 شاهنشاه معظم برادرانه و متحدانه بر جهاز تشریف
 برده صرف نهار فرمودند - تمام جهازات که در بندر
 لندون اقامت انداخته بشلیک سلام نظامی دادند

§ اعلیحضرت شاهنشاهی بعد از ملاقات دوستانه
 متحدانه با اعلیحضرت (ادورد هفتم) از (پورتس
 موته) بلندن معاودت نمودند

§ اعلیحضرت اندس شاهنشاهی از (پورتس موته)
 نامتهای احتفام بلندن معاودت فرمودند

§ اعلیحضرت شاهنشاه ایران امروز ملاحظه مان
 و مشق قشون سواره و پیاده توپچیان و یکمد و
 هفت توب فرموده و نیز تماشای جبه خانه (ووللیج) را
 نموده با افسران و سرداران صرف نهار نمودند -
 (لارڈ رابرت) نیز درین مورد محبت رکاب همایونی را
 داشت -

➤ کشمیر

امارت کشمیر مستوجب هزارگونه تمجید است که
 در سرینگر کارخانه بجهت پیدایش نیله آبریشم چند
 سال است آماده نموده و در نگرانی شخص انگریزی

بندگاه لحا پیاده گردیده چون راه محفوظ نبود روز دیگر با سپاهیان لحائی بمحافظت تمام حرکت و دلاوری شهر گردیدند

﴿ فریب و دقا ﴾

§ در بمبئی سه نفر به جرم دقا که شخصی را فریب داده که آنها میتوانند نوبت مروجه را دوکونه در مقابل آنچه داده شود درست نمایند گرفتار شده این شخص بعنوان فریب آنها آمده از شخص دیگر که رفیق وی بود دو هزار و پانصد روپیه قرض گرفته تسلیم آنان نمود - این سه نفر طماع در نزدیکی دریا برده بعضی کلمات که در فهم نمی آمد خوانده یکی از دقا بزرگان یک عدد قوتی تسلیم او کرد که بعد از ظهر فردا بکشاید تا در او آنچه داده دو مقابل یابد و اگر در میان این مدت کشود بقتل خواهد رسید - چون روز بعد کشف شد تمام این مراتب فریب و دقا بود پلیس را اطلاع داده مجرمین گرفتار و عدالت دو نفر را به حبس دو سال و یکی را بازده ماه سزا داد و مبنای که از احق طماع گرفته بودند از درون کفش آنها بیرون آمد دولت اتا زونی در شام در دولت آلمان در شام و (میواس) (از بامالی) اجازت خواستند که در آن ممالک عجائب خانه یعنی حمام موزه بکشاید بامالی ازین سبب خواهش آنها را قبول نه نموده که نفوذ اجانب را در آن اراضی مقدسه خواهان نیست

﴿ بدبختی مسلمانان ﴾

§ غلبه میدهد که برخی از پادشاهان آسیا اممالشان بر احکام نجوم است و برخی از طلفای عباسیه نیز تا یکدرجه بدین عقیده فاسده عقیدتی داشتند واقعه که بتازکی شنیده شده تا یکدرجه تصدیق این مقال را میتواند کرد
تویا والا حضرت نظام دکن بر اقوال منجم و ممال عقیدتی بکمال دارند و با احکام آنها نیز عمل مینمایند چنانچه در وقت خسوف و کسوف هزارها روپیه حیوانات خیرات و مبرات نموده صدقه داده میشد و منجم باشی ایشان بتازکی برای گردش کواکب صدقه تجویز نموده و امر بفصل داده است چنانچه این غسل شاهانه در بیستم ماه ربیع الاول روز جمعه واقع شد جواهر و طلا و نقره و ملبوس بسیار بر سلامتی شاهانه تصدق شد یک هزار خرباز و هشتاد و هشتاد و مسلمان را طعام داده

است کریمها و تخمهای بیله را از (ايطاليا) طلب کرده تقسیم نمودند و طریق پرورش را بآنها یاد داده حتی آنکه بچه های خود سال نیز طریقه پرورش کرم بیه را یاد گرفته اند - درخت شنتوت که خوراک این جانوران میباشد در کشمیر بسیار است ازین رو هفتی در پرورش کرم بیه روی نداده و نتیجه خوبی ازین راه بر میدارند اینک همه ساله مبنای ابریشم خام در کارخانه میرسد و از آنجا صاف و میسای شده در بلاد اروپا میروند اینک زراعین کم بضاعت که گاهی صد روپیه بیک مشت ندیده بودند ازین راه صاحب ثروت شده با نهایت خوشحالی گذران مینمایند مبنای که سرمایه در این کار گذارده بودند همه وصول کرده و بهمان مقدار سرمایه اولیه باز موجود دارند هم نامرت منفعت برده و هم رعیت

﴿ مزاج فعلی ﴾

§ سه چهار نفر جوانان هندو از اهل (کننگ تون) یکی از دوستان خود را که مسما به (دریک ناتپه هالدار) بود همراه گرفته در شراب خانه برده بنوشیدن شراب هعوتش کردند چون انکار نمود دو سه نفر دست و پایش را گرفته بکسوف هرق تازه کرم بمطبخش ریخت - بعد از ساعتی حالش متغیر شده او را بر داشته در بیمار خانه علی پور در حالتیکه فریب المارک بود آوردند - مزاج مسکنندگان گرفتار پلیس شده مقدمه شان در عدالت پیش است

﴿ ابن الرهید ﴾

§ وقایع نکار اخبار طمس بمبئی از عدن می نویسد که ابن الرهید امیر نجد فعلاً نزد حکومت تری بریاست هنج نصیر نام جماعتی را در بامالی کسید داشته آنها با نهایت احترام پذیرائی شدند از اخبارات صریح معلوم می شود که املیه حضرت سلطان فرمانی مع نشان مرصع مجیدی به ابن الرهید اعطا نموده علاوه بر آن شیخ نصیر را نشان درجه دوم عطا شده و علی قدر مراتبهم همراهان ویرا را نیز به نشان های مختلفه سلطانی منتظر گردانند

§ یک جہاز تری که حامل هزار و سیصد قفون ترکی بوده رهسپار قطیف گردیده - قطیف و لحیا در طریق بمبئی و تریب حکومت مستحضر بود (اکبر)

مراهم زیادی اید نمودند طرح اینصداقه چهل هزار روپیه
تخمین شده است خیرات و مبرات و صدقاته بسیم
طوب است نه عقیده باقوال منجمین و رمالها
و عقلاً مقارن صدق و صواب سخن نمبراند

دزد الماس نوس

یک شخصی از دزدان چایک دست در دکان
از پارچه فروشها رفته لباس امیرانه خرید و در لباس
کرده به تدبیری پول آن لباسرا هم نداده با همان لباس
در دکان جواهر فروش که موسوم به (کوک کلوئی) است
رفته خواهه شخریداری بعضی جواهرات نمود. جواهر فروش
دانه الماسی که ده هزار روپیه قیمت داشت نشان داده
خریدار به بهانه که او را درست ملاحظه کند قرب
دریچه آورده پس از چند ثانیه شروع نظر کردن بر
زمین نمود شخص جواهر فروش از پریشانی اوسوال
کرده جوابداد دانه از دستم اوقتا ده بیدایست - جواهر
فروشی نیز مضطرب شده در قفسص بر آمد هر چه
بیشتر جستند کتر یافتند - بناچار او را حواله پلیس نمود
پلیس چهار روز در معالجه داکتری او را تنفییه نمود
که شاید الماس را بلعیده باشد - چیزی معلوم نگردید
سپس پلیس را خبر رسید که این شخص پارچه که در
در بردارد از خودش نیست یعنی خریدار پول او را هم
نداده است کان پلیس در جالای او زیاد شده عاقبت
معلوم شد که الماس را بلعیده و در جای مخصوصی در
حنجره خود نگاه داشته است خواستند به جراحی
الماسرا از حنجره او بیرون آورند حکام از نوس اینکه
مبادا فوت شده مقدمه واژگون کرد حکم ندادند و دو سال
حکم به حبس او صادر شد این درد دلیر بعد از خم
میاد حبس به بمبئی رفته و نیز مستر (کوک کلوئی)
سکمی جاسوسی خاص بهرامی جاسوسی پلیس
کرده در تکرانی روز می گذارده بعد از جنسی دزد
مزبور دانه الماس را در بازار بجهت فروش آورده
بد بختی شامل حالش شده بتوسط جاسوسان گرفتار
گردید فوری افسر پلیس را اطلاع داده تا بعد چه
حکم در باره او صادر شود

دلی

در دلی هر سو نظر کار میکند بانهایت سرگرمی
مردم معجزه به نمیر جدیدند راهها همه بخته و عمارتها

قام تازه میشود با هر کسی را اسطیال جراین است که طوب
ایام تا جنگداری از مناسرت و ایچیه جدیده شود جنگداری
هنکفته باطل نامه کسبه که سابقاً به کرابه نوسه نوسه
ماهوار مکانی را اجاره میدادند از حالا ایام بجهت
چهارصد روپیه کرابه میدهند در اینصورت او هم تدبیری
بجهت خود خواهد نمود که این مبلغ را از باهاسایان
بیرون آورد و قانده هم برگیرد شاید ایام جشن تا جنگداری
کراتی دهلی از لندن بالا کرد

قصیده و طغیه از تخیلات ملیر

هنکوت ار لانه دارد آغشی دارد وطن
هنکوت آسای توهم دور وطن تاری بتن
در حفظ لانه خود می تند تار هنکوت
بهر اطمینان ز هنکوتی کم نه ای قافل از حفظ وطن
عقل کل مهر وطن را معنی ایمان ستود
معنی ایمان بود مهر وطن بی لا یمن
هیخ اگر نام وطن نشناختند معذورش بدار
این وطن نامش بود ایران بیا بشنو زمن
باشد این ایران بجای چشم جسم آسیا
آسیا باشد سدف ایران بود در عدن
این همان ایران بود ایجاهل از دور صاف
تر هوایش خفت اندر خاک خون پورین
این همان ایران که شرق دست و برق تیغ او
میکدشت از دارا نال تا در شهر آن
فی القتل دنیا چو هامون دشت سبزش آسیا
اندران واهی هلا ایران بود باغ سمن
نونهالاشی سمن خد سروقد سیاب ساق
بفت سنبل خم نموده از خم زلف شکن
کلنانش دلپذیر و دلکشاه و لغز جهر
چاک کل را در خم کاکونه هاشان سپهرن
خواب ترکس رده از جملات شکن دوسکوت
آب حیوان هاده از لبهای شیرین در سخن
چشمها آهونا بر چشم آهوی خطا
زلفها خجالت فرا بر نانه معکله سخن
خره به طره سیه ابرو کان مژگان جوتیر
دلکنا و دلره و دلشکار و دلشکن
این جان ایران که هم بهرام در هوش بهند
بسکه بکومت سبز حد هوای قنوج و پیک

این زمان ایران که شد بر آستانش داده خواهد
 از جنای تیغ سلطانی چو سیف فی نیرن
 این همان ایران که بهر یاری زنهار جوی
 قهر ملن لشکر قهار او زد برین
 این همان ایران که از نعت درو آمده است
 آنچه داده وعده در فردوس اعلی ذوالمان
 دشتیهای همچو جنت خلقهای همچو حور
 چشمههای همچو کوثر نهرهای چون لب
 با کیان بوه این هایون ملک ایران قرنها
 کرده این پارکیان با ماکیان اکنون قرن
 ماسکیان جی جهول و سفله نادان روزل
 نی مروت در یکی تن نی محبت در دوتن
 حق نسبت نا شناس و مردمی بس نا سپاس
 کله مان بی مغز دل بی علم ما نا اهر من
 سرخی از عقل و تن همچون جوانی پر زباد
 فکر قالب و رفتن اندیشه عاجز از فطن
 گوش هوشت کربود بفتو که میناله چه زار
 این هایون چشم ایران دخت با قلبی حزن
 تاملای سوزناکش سخت میسورد دلم
 مرد را سوزد دل آری چون بناله زار زن
 زار می ناله کجا رفت آن یل اسفندیار
 چند جهل ارجاسب آساکرده برهن تاختن
 زاسکناس اشکبوس روس طوس از یاد حرس
 آتش اندر خاک فیروزه زد و آب تون
 غیز از خاک سیه ای پور دستان یک زمان
 جوشن مردی بیوش تو من همت فکن
 دیو اسپید بر نیانی است بر جادو مکر
 دست دالتش بر کشا جلد از تن جادو بکن
 ناله این نازنین در حضرت حق شد قبول
 تا مظفر شاه عادل شد شهنشاه زمن
 تا سریر جم شرف از این هایون شاه یافت
 شد متاع جهل کاسد رایج آمد علم و فن
 طلعت خورشید دارد بادل غیر زبان
 زانجه خورشید شیرش نقش بست برین
 شاه چون بیخ قوی بی هست و ابرانش چوبار
 شاه چون بجان مقدس هست و ابرانش چو تن

بست از ایران جدا ایران خدا از روی عقل
 همچو اوج از چرخ موج از بحر یوناز با من
 شاه اگر خورشید میباید آنایک همچو ماه
 من ملیرم دل به شق این دوشد چون سرین
 داستان روسیا
 (از شماره ۴۱)
 همیشه اینکار انجام گرفت امپراتور به آنجا که برای
 خود پناه گاه تزیده بود رسید از هر سو پاسخ شنید
 که پادشاهی دیگر از (کترینه) را نمی شناسیم اگر
 نزدیک بیاید کشتی شمارا بدریا فرو خواهیم نمود. چار
 و چار بسوی سیر نگاه ره سپار شد پس از رسیدن
 بدانجا در یک خانه آنها لاشته نامه زن خود نکاشت و نیاز
 نمود و کردارهای گذشته خود را یکان یکان یاد کرد که
 پس از این به انباز، پادشاهی نیابند. پاسخ رسید و
 (۶۰۰) تن از سپاهیان (هوستینلو) نام هوسکارانه
 نبود را نیازمند بودند و سردار هنرور مونیج هم با
 آنکه زاری بسیار نمود بجای رسید و نزدیک شدن
 اردوی کترینه را دیده بر آن شد که بجایه دیگر در
 و بسوی لهستان بگریزد در آنهم بیداری نموده نامه
 دیگر بازاری پیش نکاشته از پیش واز او درخواست گذشت
 نمود که او را بخود وا گذارد تا پس از این روزگار را
 در مرز و بوم خود هوستین بگذراند و از برای رفتن
 وزیستن ماهیانه به او بدهد بدین نامه هم پاسخ نکاشت
 اما نامه برنده را نزد خود خواسته و به او گفت
 اگر امپراتور را نزد من آری بتو پادشاه نیکو دهم و
 او را با این سخن فریخته و روانه نمود و او هم آمده
 و به امپراتور سگفت اگر خود نزد کترینه بروید
 همگی آرزوهای شما برزفته خواهد شد و در این
 زمینه بسیار سخن ساز نمود تا او را برقتن و امانت
 و او هم دختر و (رنجوف) و (غور او بیج) را برداشته بکمر
 به نخستین آرامگاه کترینه رفت پس از رسیدن بدانجا
 نکهبانی که در دم په کاشته بودند آنچه نشان در پرو
 هوشش بود با جامه های پادشاهی و کوههای بسیار
 که در کینه داشت از او گرفته چندی سرو پای برهنه
 در آنجا پیاداشت. پس از آن در یک خانه او را در بند
 نمود کترینه (بانین) دستور خود را نزد او فرستاد که
 من او را چنانچه خواهی اوست بمرز و بومش روانه

میتمایم به پیمان آنکه بدست خود بنکارده که من نخواهش
 خود از امپراتوری دست کشیدم. آن میخردم بپذیرد
 پس از گرفتن کاغذ او را بپاسپان فرستاده در (در -
 قلعه) بسیار استواری در بند نمودند روزگار پادشاهی
 او شش ماه بود (قرینه) پس از آنکه شوهر خود را
 در بند نمود یکروز در آنجا مانده روز دیگر نزدیکان
 امپراتور یکان یکان آمده او را پادشاهی ستودند در آن
 میان سردار (کهن مونیج) هم آمد (قرینه) به او گفت
 تو بودی که با من جنگ کردن میخواستی (مونیج) بی
 آنکه خود را بیازد بدینگونه بیاسخ آغاز نمود. آری
 کسی که مرا از بند سیبری آزادی بخشیده بود سزاوار
 آن بود که در باره او براسی جان فدائی نیام. پس
 از این تا کرم مانند آنکه در راه او براسی می ورزیدم
 در راه شام راستی ورزم و از برای همباده من
 بچنگ و سبیز بردازم پس از آن سکتینه باسلامات و
 سپاهی که همراه داشت و مرهکی با لغان جنگ زیب
 یافته بود با مسکوه فراوان بشهر (پترسبورگ) آمد
 تماشایان بی در پی به شایش گرفتن بلند آوا بودند تا
 بسرای خود رسید و از آروز پس از آن برای
 غریب مردم گاه گاهی در میان شهر گردش نمودن و همه
 کس مهربانی و نوازش نمودن را پیشه نمود. چنانچه روزی
 به انجمن ستان در آمده برخی داد خواهی ها که رسیدی
 مینمودند گوش داده - پس از آن در سرای دیوان
 خانه بنیاد و درکارهای فرمان روائی و بزرگواری
 بشایستی گوشش مینمود و فرستادگان پادشاهان که از
 او دیدن مینمودند بهر يك در خوربایه او سخنی رانده
 و مهربانی مینمود و از خود دلشاد میداشت

(پایه و جاه بخشیدن قرینه)

چون میخواست کسانی که در کار او همراهی نموده
 اند از او خشنود شوند به آموز کار پسر خود (پاین)
 نام و پایه دستوری بخشید و به ارلوقان پایه (کوی
 بیکی) و از میان آنان به (پلنور اور لوف) که دوست
 بزرگی بود نشان (کوالیری) داده و پایه سپهسالاری
 بخشید و بر پایه و جاه سرکردگان پاسپان شهر افزوده
 و برخی زمین سکتت بخشیده شاد کام نموده و
 چون در کنج زر و سیم نبود سپاهیان می بخش نمود
 و آنان را سرطوش و شاد کام نمود. و چون میخواست

مردم و او نمود نباید که بواسطه آن امپراتور بعضی ندارد
 بیج گونه طفوتی آنگن را دل آزرده نگرد

(روز گفتگو در روسیه و گفتن امپراتور را)

چنانچه نکشته آمد (لیفور) که تا آن پایه پایه و جاه
 داشت و به او بخشش و مهربانیها مینمود از آرو
 بود که در پنهان با او سروکار داشت. اما مردم چنان
 مینداشتند چون در آغاز کار او گوشش بسیار نموده تا
 این پایه او را کرامی میدادند. اما نزدیکان و همدمان
 (قرینه) پیوسته در اندیشه آن بودند بدانند کدام یک
 در نزد (قرینه) سکرانی تر و سخن روا خواهند
 کردید اما (واقفوف) دانست که دوستی پنهانی قرینه با
 (او لوف) بیشتر است از روی رنگ این سخن را در
 میان مردم پهن نمود چون نزدیکان (قرینه) دانستند
 که بهبودی در راه يك فرمایش این همه رنج برده اند
 دلتنگ گردیده و پاسپان نیز بهوش آمده و دانستند
 که با امپراتوری که براسی جالفین و تخت نشین پادشاهی
 روسیه بود ناراستی نموده اند همگی پشیمان گردیدند
 و زبردستان نیز آن خواهش بخردانه از در و نشان
 رفته و بجای آن مهر امپراتور جاکترو بدی های او
 را فراموش و از نیکوئی و خوش سرشتیهای او بیاد
 آورده دلگیر و اندوهگین گردیدند. سپاهیان (خلیونچی
 دریای) به لشکریان خشکی سرزنش نمودن آغازیدند
 که بيك جام پادشاه و فرمان فرمای خود را فروختند
 و هر يك ناراستی و زشتی و پستی را بکردن هم دیگر
 بار نموده و یکدیگر را سرزنش مینمودند در آن هنگام
 در شهر مسکو که در نخست پای تخت روسیه بود
 گذارش پوری رویداد فرمانفرمای آنجا از برای
 خواندن فرمان تخت نشستن سکتینه مردم شهر و
 سپاهیان در يك جافراهم نموده و آغاز بخواندن فرمان
 نمود در آنجای که باید مردم آواز بشایش و ستایش
 بلند نمایند همگی از سپاهی و کشوری هیچیک دهن
 باز نه نمودند فرمانفرما دوباره از سر گرفته و خواند
 باز هم همگی دهن باز نه نموده و در میان مردم نزدیک
 بود که گفتگو بلند نمود فرمانفرما بر خورد هاندم
 سپاهیا را فرمان باز گشت بجای خود داده و مردم
 را بر آکنده نمود این گذارش که بقرینه و هم روزان آن
 و نزدیکان او رسیده نزدیک بود دیوانه شوند از ایشو

خود را ناگزیر از کشتن امپراتور دیده و این کار را به (لنیور اورلوف) و (علکس) نام و دوتن دیگر واگذار نمودند. بپاره امپراتور که سخن (پانین) را باور کرده و گمان مینمود چند روز دیگر بديار خود خواهد رفت و چشم در راه بود دید آنان آمدند و گفتند دستوری رفتن شما را آورده ایم - او نیز خوشنود کردید که بیک بار بر او ناخته و بی نوارا خفه نمودند و هماندم به امپراتور بجه آگاهی دادند که کار او را ما ختمیم و او آشکارا نمودن مرك او را در آن روز شایسته ندیده و بروز دیگر گذارد و کسی را آموخت روز دیگر در هنگامیکه در خون سهار راست آمده از مرك او آگاهی دهد - روز دیگر در سرخوان بود که آن مرد بدرون آمده و از مرك شوهر او را آگاه نمود - آن نابکار از سر خون برخاسته و خود را در چشم مردم اندوه ناک و کریان نموده و بدرون خانه درآمد و چند روز - و تواری نمود و این نامه را که نگارش یافته چاپ نموده و در میان مردم پراکند روز هفتم از پادشاهی ما امپراتور نخستین را رخ زهر زد بی تاب نمود - و چون آیین و کیش ما بر آست که باید مردم را از مردن از درد هائیکه دوا پذیرست نگاهداری نمانیم هماندم پزشکان فرستاده با هرگونه دارو که بدوای دردش پرداختند چاره پذیر نگردید - چون روزش بیسایان رسیده بود سود به بخشیده و اینک زندگانی را بدروود گفت و مارا گرفتار اندوه نمود پس بهمی زیر دستان راستی پیشه خود میگویم و سپارش من که بر همکنان فرمان روا و در پایه مادر میباشم اینست که از گذشته چشم ببوشید - و از برای او آرزوش بخواهید - و بدانید بدون اندیشه و گمان اینها را خداوند جهان پدیدار نمود و از بر اینکفور و کشور یانیا اینگونه شایسته و روا دیده - پس از پراکندن این نامه بر روی مرده امپراتور جامه لشکر پروس کشیده و نشانهای پروس را آویخته و بدرون شهر آورد - کسانیکه در کرد مرده او کرد بودن برخی به پاسبانان و برخی به کمائیکه آن کار را کرده بودند نفرین مینمودند و برخی آه و نغان میکردند در میان پترسبورک سخنان بسیار و گفتگوهای بیهمار بلند شده بود اما پانین امپراتور کان شورش پیکسو شد

(بخشیدن بستوجیف و پایه بخشیدن به برخی)
 بستوجیف دستوری بود که (الیزابت) او را بسیریا فرستاده بود و دوست مهربان کترینه و دشمن جان امپراتور بود او را بخشیده و با سرفرازی به (پترس بورك) آورد چون اندکی سالخورده شده بود همگی پایه و نشانهای او را درباره او استوار نموده و عالی بیست هزار منات از برای او سالیانه بسته که در خانه خود بنشیند و برادر پدر امپراتور که او را امپراتور در روزگار پادشاهی خود آورده و سببه سالار نموده بود به (هوستین) فرستاد که در کارهای فرمان روی انجانگاه پانی کند و سردار کهن (مویچ) را بفرماندهی یکی از شهرهای روسیه فرستاده دلخوش نمود (فی دارد)

مقاله یکی از فضایل نامدار

(عطف به سابق)

(قابل توجه ارباب حد و عقد دولت علیه ایران)
 بر دولت علیه لازم است مردمان دیندار معتبر صاحب فراست و فطانت را مأمور قرار داده آشف اجناس اهل صنایع و متاع تجار را به نمایند که قلب و مفشوش نباشد - که بزرگترین اسباب ذلت و خجالت ملت و دولت است و علاوه خلاف شریعت بیهمبرقال صلوات الله علیه (من غش لیس منا) هر که غش نماید در امانت ازمانیست متاع خوش نام مملکتی را آرمفشوش سازند خیانت در امانت نموده اند -

اولاً باید اخبار داد بجمیع رعایا که چیز قلب نسازند بموضی خالص فروشند - بلکه هر مال را بحسب حقیقت جنس و بحیثیت آن صفت رویش را دهنه زنند که حقیقت آن آشکارا شود - و صالح بلکه ملت بدان متاعی که خوب ساخته افتحار کنند - تا عمل صالح در جنب فاسق قاسد نشود -

و نیز حکومت اعلان دهد که هر کس مال خالص را قاب نماید و گرفتار شود آن مال ضبط دیوان اعلی و مفشوش کنند در معرض سیاست واقع خواهد کردید و این حکمرا در مقام اجرا باید داشت نه اینکه مثل سایر احکام دولت که از شفاعت شرقا و رهوه راشیان معطل گذارند یکی از اسباب ذلت ملت و دولت همین است چه عمل را خالص نمودن و به صداقت شهرت کردن سبب اسم و رسم دنیا دارای و ولایت

آهت است - و اجناسی که بخارج از مملکت فرستاده شود مجبور دارند که هر کس بجنس خاصه خود دمغه مخصوصه خویش درست کرده بزند که صاحب مال و صانع آن معلوم شود - و آن دمغه یا خطوط اسلامی و ملی باشد نه مانند نمرهای تازه دولتی که در طهران طبع شده شکل صلیب را در چهار گوشه او لازم شمارند و خط فرانسیسی را واجب دانند خداوند این قدر هم با شعور نداده است که ملاحظه نمرهای جمیع دول را نموده به بینم که سوای خط ملی خط خارجه دارد یا نه انگلیس بالای نمر خود هرگز فرانسه نخواهد نوشت فرانسه بر نمر خود خط آلمانی نخواهد نکاشت کویا ماها مسخ از ملیت خود شده ایم که یک مرتبه آنچه راجع بامور ملی و مورث شأن و شوکت دولت است از دست میدهم ای خاک بر سر اینگونه فرنگی مآبی خلاصه باید برجه های خشکیار و فردهای ظالی و سندوقهای تریک و بست های پشم و شال و غیره دمغه زنند چون چنین خود هرگز کسی جرأت نکند مال خالص خود را قلب و باغش سازد - و هر مال که قلب باشد صاحب آن مشهور و مالش متروک و دارش مهجور شود - نادیکران عبرت گیرند - آنوقت همه بصلاح ملک و ملت و شخص خود عمل خواهند نمود و اسم صنایع مملکت در تمام ملل مشهور و مالشان مرغوب و مطلوب عالم خواهد گردید و ملت بدیانت و خدا پرستی مشهور خواهد شد و رواج در متاع آنها پیدا و مردم باطمینان متاع مملکت را خریدار خواهند شد و همین تیزی از اسباب تعویق صنایع ملک و ملت شود برای انضباط عمل باید در حدود مرور و دخول متاع و اموال کاتب و دفتر دار و حساب دان گذاشت و مأمور این عمل باید قائل و کامل و عزیز نفس و محاسن دولت و ملت باشد - و سفیه و غنی و قاسد و قاسق و شارب الحمر جاهل و مغرور قائل و ضعیف الدین و قاسد العقیده نباشد - چه در حدود اینگونه مردم علامت عزت دولت و ملت اند

لهذا باید با عقل و حکمت و عزت در مقابل اغیار حرکت کرد تا اجنبیان ما را سفیه و نادان تصور نکرده دام ابله فریبانه برای فریب مان نکسترانند

دستورالعمل باید به ایشان داد که هر چه از ملک مجلس

خارج شود با قیمت حقیقی قیمت کنند و در دفتر خاقان بنویسند و هر چه در ملک داخل شود بارزش واقعی ضبط و ثبت دفتر دیگر کنند و دفتر خارج و داخل را موازنه نموده بوزارت تقدیم کنند - باید ملاحظه شود چقدر از ملک پول خارج شده و چقدر از خارج پول داخل گردیده - مثلاً هر گاه صد تومان جنس خارج شده مساوی آن جنس داخل گردیده یا زیاده تا تدارک شود بملت و دولت ضرر وارد نیاید

اگر صد تومان جنس خارج شد و یکصد و دو تومان داخل همان دو تومان زیادتی رفته رفته ملک را خراب کند و نفوس را بکدائی و خواری فقرو ذل احتیاج دهوت نماید و برعیت نوب مسکنت بیوشاند تا آنکه اهالی اندک اندک از ملک خویش تفرقه شده محتاج بر قن خارجه شوند (نموده باقیه من ذالک) در صورتی که صد تومان جنس داخل مملکت شود و صد و ده تومان خارج آن ده تومان مستمری آن مملکت را آباد سازد و خرابیها را تعمیر کند و نفوس را بزمه رساند و در قلیل زمان آن دولت و ملت صاحب قوت شوند و دشمنان دندان طمع از ایشان بشکنند و مغرورین از آن دولت و ملت در حذر گردند و همواره رضای آن دولت را جویند و شای آن پادشاه را کویند - بزرگان گفته اند هر که با چشم بصیرت دشمن خود را بیند و از روی حقیقت خصم خود را بشناسد البته بیدار شود و هرگز مغلوب نگردد - دولتی که خواهان ترقی صنایع مملکت خویش است باید آن مالیاتی را که از اهل صنعت میکیرد بر اجناس خارجه کرک گذارد بلکه لازم است در بعضی از شعب صناعت رعیت خود را مدد دهد تا امتعه تجارتی ملکی مناسب تمام شود و ارزان بفروشند و خارج از مملکت کنند و نفوذ اجنبیان را بدین وسیله دور کنند و اجناس اجنبیه را کران وارد ملک خود نمایند تا که رعیت رغبت بخرید و فروش آن نه نماید اگر به ارزانی اجناس ملک خودشان باشد لابد طبایع جمعی پسند پسند خواهند نمود و صنایع وطن زمین خواهد ماند امتعه وطن بدوا باید خاصه وطن باشد و بعد از کشف اهالی وطن برای جلب ثروت اجنبیان بخارجه فرستند در صورتیکه صنایع ملک خرج ملت نشود هرگز در خارجه درو پیدا نخواهد کرد -

افعال شنیعه از میان ملك و ملت آيا در ايران كذا
از فرنگ و روس و روم و صرب هيج كس ديده است
برعكس كدايان ايراني خدا ميداند بچشم ديده ميگويم
در غالب بلاد روس و هند وغيره موجودند اينقدر از
رعيت ايران كذا ميباشد كه عدد شان را جز بحساب
حقيقي نميداند لطف اين است كه اكثر ايشان دين و
ديانت هم ندارند و در متن واقع از دين اسلام خارج و
از غيرت و عزت اسلاميان طاري ميباشند (باقي دارد)

كيسيون تعليمي هندوستان

§ سابق بر اين اشاره نموده بوديم كه (لاردرزن)
فرمانفرماي هند براي اصلاح ادارات تعليمي هند
كيسيون تشكيل داده اند - اينك رپورت كيسيون شايع
شده رپورت مزبوره (۹۲) دفعه ۵۰۰ صفحه كامل است
و ۶۰ مسئله را موضوع بحث داشته تصفيه نموده است
سپس خلاصه آنرا در ۱۵ صفحه درج کرده اند درين
مورد اگر بخواهم جمله آن رپورت را ترجمه کرده درج در
اخبار نايتم خارج از كنجايش اخباري است لذا چند امور
كه خيلي اهم است ذكر کرده سائر مراتب را بموقع
خود خواهيم نگاه داشت

(۱) اختيار موجوده دارالعلوم هاي هند بايد زياد
شود تا كار دارالعلوم منحصر به گرفتن امتحان نباشد
بلكه اسم با مسماي دارالعلوم بر آنها صادق آيد عمل
تعليم بايد سيره باعضاي مدارس باشد ولي دارالعلوم
مدرس و كتب را منتخب نمايد - و قيامگاه براي طلاب
نيز خودها درست كند

(۲) اختيارات هر يك از دارالعلوم هاي هند بايد
محدود بمعاينه خود باشد نه اينكه طلاب مدارس پنجاب
امتحان خود را در دارالعلوم كلكته بدهند همين قسم
آكره و محالك متوسطه هند وغيره

(۳) در هر يك از دارالعلومها زياده از پنج شعبه
علوم قرار ندهند - علم ادب - حكمت - قانون - طب -
(انجينري معماري و مهندس) - اين امر مناسب نيست كه
شعبه مخصوصي بجهت علوم شرقيه عليهه شود - ولي
سند ياتكان علوم شرقيه را لازم است كه تحصيل زبان
انكليسي را هم به نمايند

(۴) براي انتظام هر يك از مدارس جملتي را

من جمله لازم است مرد مدير طاقل دين دار با
و عقل ديانت و حكمتي را مأمور شهرها و قريها براي
تفتيش و تحقيق كرده امر بديانها شود كه هر جا كداوسائل
بگنفت و درويش و بيكار و بيمار و كاهل اهم از سيد
و غير سيد حق مردمان شارب الخمر و قهار و تريك
تش و بنگ خور و چرس نوش و كسانيكه مخفول
بلاهي ميباشند - همه را جمع نموده يكان يكان را
استنطاق كرده بشرطيكه مستنطق شفاعت و رشوت
قبول نكند و بحقيقت حال آنها برسد هر يك از آنها
كه ترك عمل نموده و كفيل داده كه ديكر بار مرتكب آن
عمل نشود و كسب يا نوكری كرده از ملك بيرون نرود
اورا مرخص نمايند و آنهايكه عذرو سبب و كفيل
ندارند بكارهاي مديكي و ملق اندازند باجرت
خوراك و پوشاك و بعضي از اشرار را قليل المئونه
نمايند اين ملاحظه لازم است كه هر كسي را
بقابليت عملش اجرت دهند كه عبت نخورد و نپوشد -
بتوسط آنجماعت كومهها را بشكافند و راهها را
صاف نمايند و خرابيها را تعمير كنند و در راهها
آهن بكار انداخته و بناهاي دولتي را احداث كرده
در استحكامات سرحدی كار كنند و در مدينها بكار
شان مجبور دارند - و آن نفوس معطله را از علم صنعت و
كسب و زراعت صاحب جومر نمود تا از آن فوائد
كلي برداشته شود و مثل اينگونه مردم مثل زمين و
آب مهر است كه جاري ميباشد لاسكن مردم ملاح
نيست كه تخمهاي نافع بكارد و آن زمين را زنده كند
و از آن حاصل بر دارد

چون آن صنف ميشوم كدايان را عدد كم نيست يعني
كم از كم هويست هزار درويش بيمار توباه كس قار باز
و دزد در ايران پيدا ميشود و اگر آن هويست هزار
نفوس ده سال از براي دولت كار كنند بنظارت شخص
مدبر صاحب علم و معرفت و حكمت در مملكت هيج
خرابه پيدا نشود و راه كج و سخت نمايد كسانيكه
وضع خارجه را ديده ميدانند كه آن كدايان و درويشان
و بيماران كه در جميع ملك منتشراند براي دولت و
حلت بقدرا اسباب ننگ و سرشكمتي ميباشد پس بر
رجال دولتي كه خيره خواه ملت و دولت و وطن
خود اند لازم است كه هي نموده در اقدام بجهت

منظم قرار دهند و امور يك مدرسه منحصر بشخص واحد نباشد

(۵) طلاب باید یا بنکرانی والدین باشند یا در تحت انتظام (بوردنك هوس - قیام گاه های مخصوصه طلاب) (۶) اندازه مواجب که شاگردان میدهند باید بدرجه کم نباشد که در عمل مدرسه خلل روی دهد و اطفال کم لیاقت را ترغیب تحصیل درجه تعلیمات عالی حاصل آید - بعضی از طلاب که لایق و ذهن باشند از حکومت وظیفه یابند حق الزحمه اعضای انتظامیه تعلیم را بر مدارس قرار دهند ولی در مدارس لازم است رعایت خاصی مقرر شود که طلاب علم کم بضاعت از اعلی درجه تعلیم محروم نباشند

(۷) آن مدارس که سر از اصول دارالعلوم به بیچد دارالعلوم را لازم است که طلاب آن مدارس را در امتحان خود شریک نه نماید - ولی این حکم بر مدارس امارتهای بومی هند بجزی نیست مشروط بر اینکه اساس تعلیمشان بقاعده و اصول باشد - تا اینجا خلاصه بحث راجعه بدارالعلومها و مدارس هند بود در ماده اصول تعلیم چنین بحث و تصفیه نموده اند

(۸) خلاصه عبارات کتب را بعضی از طلاب طوطی وار یاد نموده در امتحان دارالعلوم ککامیاب میشوند این رسم و رواج را باید موقوف داشت

(۹) برای تعلیم زبان انگریزی کتابی خاص باید مقرر نمایند و کتب تعلیمیه این قدر مفصل باشد که بزبان یاد نمودن آن دشوار گردد - طلائیکه علم حکمت می آموزند از تحصیل علوم درسیه مستغنی باشند - و کسانیکه امتحان (ام - ای) بخواهند بدهند لازم است که در زبانهای قدیم بومی نیز امتحان دهند

(۱۰) طلاب مدارس جراحی را لازم است که زبان (لاطن) را یاد گیرند

(۱۱) در امتحان (بی - ای) لازم است که در زبان شرقی قدیم را هم امتحان دهند

(۱۲) کسانیکه امتحان (ام - ای) میدهند لازم است درجه فضیلت خود را در یکی از زبانهای بومی نیز ظاهر دارند

(۱۳) در دارالعلوم پنجاب تعلیم علوم شرقیه بدستور جاری باشد لیکن آنهایکه میخواهند سند در

علوم مشرقی حاصل نمایند لازم است زبان انگلیسی را هم بدانند - سردست ضرورت نیست که در سایر دارالعلومها نیز مانند پنجاب امتحان علوم مشرقی داده شود

(۱۴) در امتحان (انترنس) لازم نیست که علم فلسفه شامل نمایند ولی در ادب ضرورت آن بدرجه کمال است

(۱۵) تا یکدرجه در (انترنس) و (انترمیدیت) تعلیم علم ریاضی لازم است و تعلیم درجه اعلای آن اختیاری است

(۱۶) در درجه (انترمیدیت) تاریخ شامل شود - و در (بی - ای) اختیاری باشد طلاب هندی را باید به خواندن علم مدن تشویق نمود

(۱۷) تعلیم طب بدستور جاری باشد و درصوبجات متحده نیز مدرسه طب قائم دارند و برای علم حفظ الصحه يك درجه مقرر نمایند

(۱۸) دارالعلوم نباید تدارک تعلیم جمله علوم معماری را نماید ولی در فن ممدن کنی و برقی تدبیری باید بقود - علومیکه در تجارت بکار می آید باید ترقی دهند و در ماده علم زراعت نیز مناسب است سعی شوند (۱۹) هر طلائییکه میخواهند شامل امتحان (انترنس) شوند باید از (۱۵) سال کم نباشد و کسی که سه مرتبه در امتحان ناکامیاب شود سپس حق دادن امتحان نداشته باشد

(۲۰) طلائییکه پس از تعلیم خانگی بخواهند شامل در امتحان درجه (انترنس) شوند لازم است سندی از اداره مرکزیه تعلیم حاصل نموده پیش نمایند - غیر از درجه (انترنس) طلائییکه خانگی تعلیم حاصل کرده نمیتوانند شامل امتحانات درجه عالی گردند

(۲۱) آخرین امتحان مدارس باید از حلقه نکرانی دارالعلومها خارج باشد و هرکس که سند امتحان (انترنس) داشته باشد برای ملازمت ادارات حکومتی قابل شناخته نشود و غیره و غیره

➤ مکتوب وطن پرست ایرانی از مارسل ➤
چندی بود سرگرم سیاحت و مجال مزاحمت ندانست اکنون وارد (مارسل) و فراغت پیدا شده فرها از طریق (برلن) روانه کازان روسیه خواهم شد - اکنون که فی الجمله وقت در دست است مزاحم میشود - امید

است مکتوب نانی از (برلن) پای تخت آلمان و ثالث
از مسکو مع اطلاعات تاریخی عرضه دارد
در این چند مدت واقعه مهمی که در اقطار حومه
رخ داده و باعث تأسف هواخواهان حوزه السایت
شده و روزنامهجات عالم را سرگرم خود گردانیده قضای
ناکسانی جزیره (مارتیک) و آتش افشانی کوه (بلی)
است که باعث تکران قلبی ملت جمهور فرانسه گردید
و بالغ بر چهل هزار نفر و یک شهر معظم مستعمرات
فرانسه معدوم سرف شد چون مطلب بزرگ تاریخیست
و پس از بلای ناکهائیکه سنه (۱۸۹۵) مسیحی در
(کاراکاتوا) جزیره کوچک که در اقیانوس آبریا
بحرالهند بین جزیره (سوماترا) و (جاوا) است واقع
شد تاکنون در این مدت هفت سال هیچ کس
خساره بدین بزرگی به اینای نوع وارد نیامده بود
چون مطلب تاریخیست شرح مفصله و تاریخ این مختصر
جزیره را مع واقعه بزرگی که تا ایامنا هذا رخ نموده
از علوم متعلق بمساحه شرح و تفسیر نموده تا بر اطلاع
مشترکین روزنامه مقدس بیفزاید

جزیره سابق الذکر از مستعمرات فرانسه بین دریای
(اتلان تیک) یا اقیانوس کبری و واقع در هفت هزار و
یاسد و هفتاد و هشت کیلو متر بعد از (برست)
بین دو جزیره انگلیس (سنت لوی) و (داملیک)
یا بمباره اخری هزار و سیصد و شصت و چهار فرسخ
در غرب پاریس واقع شده است - جزیره منبوره از حد
شمال تا به انتهای جنوب طولاً شصت و پنج و عرضاً
سی و چهار کیلو متر است
تقریباً دوازده و شش فرسخ طول و عرض اوست
مسافت سطحه او نهمصد و هشتاد و هشت کیلومتر
مربع است

جزیره مذکور دارای دو بیست و هفتاد و پنج
هزار نفر نفوس و بیست و پنج شهر معمور داشت که
بزرگترین آنها (سنت پیر) دارای پنجاه هزار نفر که
معدوم سرف گردید و کوچک ترین آن (دایمن)
دارای پنجاه هزار نفر است

محصولات این جزیره (شکر) [قهوه] (بنه)
(سکو کوآ) (تونون) (قد ساخته) (شربت روم)
(تالیا) مخصوص بدین جزیره است - طالع الزراعه

از قبیل کندی - جو - سبزی آلات میوجات و
اغلب حیوانات زیاد دارد

الحاصل جزیره مذکور در سنه (۱۸۸۳) سی و نه
ملیون و هشت صد و هشتاد و پنجاه و نه صد و هفتاد
فرنگ عایدی منزروعات داشت که باطراف حمل میشد
در این مدت بیست سال از پنجاه ملیون فرنگ زیاده
تر بر زراعت او افزوده فقط در سنه (۱۹۰۰)
چهل و چهار ملیون فرنگ از محصولات این جزیره
باطراف و جوانب حمل و نقل داده و در مبادله
سی ملیون فرنگ آغشته و لوازمات تمیش از اطراف
خواسته اند - پس در اینصورت چنین ظاهر میشود
که در مدت یکسال چهارصد ملیون فقط بتروت آنان
افزوده میگردد بدین واسطه همه روز تروت اهالی
در فرایش است و شبان روز در تحصیل صنایع هم
کوشانند که شاید بتوانند بقیه احتیاجات خود را از
اجانب کمتر نمایند

در سنه ماضیه دو بیست و نوزده کشتی بخار فرانسه
در اطراف جزیره لنکر انداخت و چهار بقدار این
کشتیهای انگلیس و هولاند و آلمان و اتا زونی در
او لنکر انداختند

از دو بیست و هفتاد و پنجاه هزار نفر بود هزار نفر
در کسب زراعت و بیست و پنجاه هزار در کارخانهجات
مغفول کسب و صنایعند - و بیست و پنجاه هزار نفر هواگر
و قشون بری و بحری دولت جمهور فرانسه مستحفظ
جزیره قرار داده

انکشاف جزیره مذکور را بحسن فضل و کمال
(کریستوفر کلبس) در زمان مسافرت ثانوی خود
بدریای محیط در سنه (۱۴۹۳) نمود پس از آن به اسپانیا
مراجعت کرد و در سفر چهارم که عزم سیاحت دریای
محیط و انکشاف جزایر کرد - روز ۱۷ جون سنه
(۱۵۰۷) چند نفر از سیاحین و اهل صنعت و
تجارت اسپانیا و یک هیئت مخصوصه از جانب
حکومت با جہازات مخصوص سیاحتی بجزیره
(مارتیک) رسیدند اشخاص سابق الذکر رحلت اقامت
در جزیره مذکور بستند و تا سنه (۱۶۲۰) دیگر
کسی از سیاحین فرنگ در انکشاف و طریق وصول
بدان جزیره بی تجربه تا در همان سنه چند نفر

سیاحان فرانسوی با کشتیهای بادی خود را بدین جزیره رسانیده توقف کردند

در سنه (۱۶۵۰) هیئت از جانب مجلس تجارت فرانسه در آن جزیره فرستاده شد که اشتراک در تحصیل نیشکر و قوقون و غیره نمایند حضرات بجانب آله و برواه شدند تا قرن شانزدهم مسیحی جزیره مذکور در تحت حکومت هند شمالی بود. در بیستم جولای سنه (۱۷۷۴) دولت هولاند حزم تسخیر آن جزیره را کرده در لنکرگاه و سواحل آن زورق انداخته و علم افراشته دست تندی بر اهل مملکت دراز نمود. بعد از تسخیر یک شهر مجبور بخلیه شد طاقت الامر چهار صد نفر لشکریانش مقتول و جمع کثیری مجروح خساره بسیاری برداشته مراجعت باو طمان خود نمودند از سنه (۱۷۵۹) تا هزار و هفتصد و شصت یک جزء مستعمرات انگلیس قرار گرفت چندی نه گذشت اما جزیره رقبه بندی انگلیس را جبراً و قهراً از خود برداشتند

در (۱۶) جنوری (۱۷۶۶) بریاست (کایتان رادنی) یکدسته آشتیهای جنگی انگلیس که عبارت از چهارده فروند بود از جزیره برطانیا حرکت با چهارده هزار عساکر مساح خود را در لنکرگاه خلیج (سنتان) رسانیده مجدداً جزیره را محاصره نمودند. بعد از یکسال پس از صلح انگلیس و فرانس در سنه (۱۷۶۳) بموجب قراردادیکه دول که در (ورسلی) دادند جزیره مذکور بفرانسویان منتقل گردید و تاکنون درید تصرف و تحت حمایت فرانسه باقی است

از ابتدای تاریخ مسیحی تاکنون این مرتبه ثالث است که کوه (بلی) آتش افشانی کرده. اول در سنه (۱۷۶۷) بگوه (بلی) مختصر آتش افشانی نموده شش صد نفر را بهلاکت رسانید

سنه (۱۸۵۱) ثانی مرتبه بازده هزار نفر بندگان خدای دچار قضای ناگهانی گردیدند از آن بعد ساکنین جزیره آرام بودند تا روز چهارم می سنه (۱۹۰۲) اول خبری که در خصوص جزیره مذکوره رسید در جراید انگلیسی بود که (از بیت آنبیل) اخبار تلکراف بر این مضمون دادند. از شدت جنبش و تکان لرزه ای و حرارات جو فانی جنبش و تکان در قشر بر خداد و صدا های مهیب چون رعد و برق شنیده

شد. آثار زلزله در شهر (سنت وینسنت) ظاهر شده و در همان حین در قله کوه (سوفیر) انجره متصاعد و آتش افشانی شروع شد روز مذکور اول تلکراف محنت آری بود که (موسیوموتلت) قائم مقام جزیره (بوزتر) مستعمرات فرانسه نمود بدین مضمون

کوه آتش فشان (بلی) که قریب نیم قرن یا پنجاه سال بود آثار انجره نداشت در شب و روز سوم و روز چهارم آثار آتش افشانی در او ظاهر گردید انجره و خاکستر زیادی متصاعد میشد بمقدامیکه دهقانانیکه در اطراف و دامنه کوه زراعت نموده سکنی کرده بودند مجبور بخلیه بیوفت خود شده فرار اختیار نمودند روز پنجم ماه بدینگونه از جزیره خبر تلکرافی انتشار یافت قراولخانه مخصوصیکه بفاصله ۳ فرسخ (دور از حوالی شهر (سنت پیر) و در دامنه کوه (بلی) واقع بود آتش گرفته از شدت انجره صد و پنجاه نفر جان سپردند

ششم ماه مذکور تلکراف (موسیوموتلت) حاکم جزیره رسیده که خاک و خاکسترهاییکه از کوه (بلی) خارج شده در چند کیلومتر طرف شمالی شهر (سنت پیر) نهر یا رودخانه سفید که باعث حیات اهل شهر بود مسدود نمود و آب ساکنین شهر مقطوع شد و این مصیبت دل هواخواهان نوع را مکرر ساخت و مردم در اضطراب بودند تا صبح روز نهم ماه که جراید از اطلاعات روز هشتم آنچه یافتند اسباب تکرر قلوب عموم اهل عالم گردیدند

اخبار اول این مصیبت تلکرافاً بدین مضمون رسید از (سنت طامس) هشتم می شهر خوشکن (سنت پیر) و تمام اهالی وساکنین او مع کشتیهاییکه در لنکرگاه موجود بودند یکمتر به سرنگون گردید

روز مذکور تلکراف ثانی نه ساعت و پنجاه و پنج دقیقه از نیمه شب گذشته یکی از کشتیهای تجارتی فرانسه که از بندر (دی فرانس) تازم (سنت پیر) شده و موسوم بود به (سوجت مازین پاریس) از (سنت پیر) مراجعت گردید بیان نمود که شهر تماماً خراب گردید نزدیک ساعت هشت صبح تمام ساکنین شهر آتش گرفت و میسوختند جناب ماسی تن از آنها را نجات داده حرکت نمود از

(کوادلوب) خبر رسید که علی الانصالح کوه (پلی) در آتش افشانیست پس از آن اخبارات متفرقه پشت سر یکدیگر رسید در همان روز حکومت جزیره (کوادلوب) تلکرافاً به وزیر مستقرات خبر داد کشتی (سوچت) از سنت پیر (وارد وسی) تفرج خروج و نیم سوخته همراه آورده تا و رود به مریض خانه ده نفر مرده شهر مذکور با تمام کشتیهایش در لنگرگاه بوده اند فرقی و حرق در آتش اند (موسیو موتات) و هیال او وقایع مقام شهر هم با اهالی سوخت (باقی دارد)

مکتوب از بغداد

امسال که سنه (۱۳۲۰) میباشد از اول زمستان الی الحین که وسط تابستان است متوالیاً هر روز دویست بار کندم از کرمانشاهان وارد بغداد شده و میشود - یکی از تجار مشهور بغداد (باسین چلی) جله را خریده و بطرف بصره حمل مینماید که از راه دریا بجانب هند یا فرنگ حمل دهند - اگر این مقدار کندم بشط ریخته میشود مد میگردید -

از اکابر بغداد شخصی است حاج سلیمان صالح بسیار مقول و تکارنده با او سمّت رفاقت دارد و دارای چند فرزندانست یکی از فرزندانست که احمد نام داشت و ساکن شام بود چون جوان شده عسکریش در قرعه درآمد با تلکراف او را از شام طلب نمودند بر شتری که یکی از پاشاهای مصر بشخصی در شام بخشیده و از شترهای مشهور بود سوار شد جهاز شترم قیمتی و از صنعت کارهای مصر بود زینبندی از آن شتر و آن جوان و اساسش میریخت - خلاصه احمد با جوانی دیگر که حامل پست بود سوار شده بزم سفر از شام الی منزل (هیئت) سلامت رسیدند اهالی (هیئت) چون جوانان را با چنین شتری دیدند خیال کردند البته پول هم همراه دارند - اینها را تعاقب نموده در دو فرسنگی (هیئت) مردو را بکل رسانیدند

در راه نجف اشرف نه عدد کاری که هر یک ده دوازه نفر زوار حمل داشت شخص (عطیه) نامی از زکرة و شهدای نجف با چند خرافتیبای دیگر بر سر آنها درآمد همه را تحت نموده مالشانرا بردند این واقعات در ماه ربیع الاول اتفاق افتاد

توصیف حضرت والی بغداد در جبل اللین درج بود - حضرت والی نامق پاشا شخص مامل وطن پرست دولت خواه است در ترقی و وسعت مکتب صنایع ایتم بغداد کمال سعی را دارد و در این مدرسه هر نوع صنعت دستی تعلیم میدهند والی موصوف از فرنگستان چرخ و ماشین آهن سازی و آهنکری طلبیده ماشین بزرگی است این صنعت را هم ایتم خواهند آموخت جناب والی غالب اوقات شخصاً با ایتم طعام میخورد و خوراک و لباس ایتم را متوجه میشود - و بجان خانه هم ساخته نهایت متوجه و مراقبه آن میباشد منجمه آثار این والی است که جسر بزرگی بر روی دجله بست و در روز جلوس اعلیحضرت اقدس سلطانی که نوزدهم ماه آگست رومی است برای عبور و مرور باز خواهند نمود

امسال در بغداد سیوه بسیار خوب و زیاد بود با وجودیکه تابستان است در وسط شط فرات و دجله آب چندان کم نیست - در بغداد و اطراف بغداد حاصل زراعت خوب است با وجود اینکه در زمستان یک باران بیش نیامد با قلت بارانهم زراعت خوب شده است -

حجاجیکه از راه جبل مراجعت نموده بسبب خشکسالی و قلت شتر باید روز اربعین که بیستم ماه صفر است وارد کربلا و نجف اشرف شوند امسال آخر ماه ربیع الاول وارد شده و قریب پنجاه نفر پیاده که همراه قافله است از تشنگی هلاک شده اند - و مال حاج نیز بسیار تلف شده

از اتفاقات ماه ربیع الاول اینکه در نیم فرسنگی بغداد قطامان طریق (۳۷۵۰) لیرای از مالک پستخانه نقد زدند و بردند و هنوز اثری از آنان پیدا نیست - عساکری که از برای کویت بجانب بصره رفته هنوز عودت نکرده ازین ظاهر می نمود که دولت علیه عنایه از خیال کویت بیرون رفته و مترصد وقت است - توصیف درستکاری علاءالدوله حاکم کرمانشاهان را بسیار مینویسند که تنظیم شهر کرمانشاهان و سواره و پیاده قشون و نگهداری سرحدات را بنوع احسن نموده و از جمله دو باب مدرسه باز کرده است یکی مدرسه اسلامی و دیگر مدرسه عثمینی و بسیار

نظم داده شرح این مراتب را البته از کرمان شاهان بر سر کار نوشته اند

انکشاف کتب خانه جدید در شام

در قبه مسجد (اموی) شام کتب خانه قدیمی مسدود بوده بجهت ضرورتی بتسازگی دروازه آن را کشوده بعض کتب های ذی قیمت نادرالوجود یافته اند که حالات تاریخی و واقعات ازمنه سلف را بخوبی از آن دریافت توان کرد -

من جمله ۲۵ صفحه کتاب (مزامیر) و ۱۱ صفحه (نوریت) و چند نسخه (انجیل) قدیم در زبان (سوری) و چند رساله در لغت فلسطین یافته از آن استنباط می شود که سابق اهالی (سامری) در آنجا مقیم بوده اند - کتب های (مزامیر) (۷۸) حصه آن در حروف یونانی است که قبل از پیدایش حضرت رسول اکرم نوشته شده - همین قسم ۱۱۷ صفحه دیگر از یقین سلف است که جمله آنها قبل از اسلام نوشته شده این کتب ها که درین زمان هر یک بمقام کتبخانه میباشد مؤید اطلاعات تاریخی تواند شد و ما هریرالسنه و لغات مختلفه در این زمان بانهایت وضاحت و دقت خواهند دید - این کتب خانه را به باب عالی کسب داشته اند و چنین نیز بیان میشود که حالات تاریخی برخی از بزرگان دین مسیح بخوبی از این کتب خانه دریافت خواهد کردید تاریخ نگاران مفاد علمی ازین اوراق و فواید تاریخی حاصل خواهند کرد

نقل از روزنامه مظفری

از مطالعه روزنامجات و اطلاع از واقعات خارجه خالی از قایده نیست ولی قبلی نیز بحسن و قبح ادور بلدی و وطن خود ملاحظه نمودن و بجملی نکاشتن که مفید عامه بوده باشد گویا بدینست - آباده شیراز از مرحوم کریم خان زند است دو آب انبار مخصوص اهل بلد یکی بهلوی تلکراف خانه و یکی نزدیک میدان و حمام و مسجد وکیل دایر و برقرار نموده

آجرهای کرمخانی حوالی اب انبار بهلوی تلکرافخانه را بلره برده اند و احدی هم نمیتواند منکرشد کالشمس فی وسط السماء است و کسی هم سئوال نمود آب انبار بهلوی مسجد و میدان که بعضی اوقات بعضی از اهل حجر متحمل تعمیرات جزئی آنها میشدند و عجائلاً دایر

و برقرار همت زیر شوی آرا سد کرده اند سه زرع آب از دهن شیربالا آمده عفونت آن مردم را مریض میکند

تفصیل آن از این قرار است که اطراف ارك حكومتی را چون متعلق بدولت بود بعضی بر آذار کرده دولت ابدایت ایز بعضی بذل مرحمت اراضی منبوره را که شاید باجدار باغ دیوانی بیست هزار تومان قیمت داشت باندک خرج و قلیل چیزی عنایت فرمود - خریدار بنای مغازه و دکاکن تذارده (این آبادی هیچ عیب رتقی ندارد) دئی الشخص بانی که اهل خیر است آجرهای کرمخانی را که این روزها بمنزله چینی قدیم است از هر جا در آورده بمعارات و دکاکن خود صرف میکند يك برج دیوانی را هم زاویه دکان خود قرار داده کاش امنای شرع و اجزای حکومت صرف در عوض این بذل مرحمت مقرر میداشتند که تعمیر این زیرشوی آب انبار را نمایندند اینک سنکهای زیر شوی کرمخانی را که محض صرفه خراب کرده تعمیر و صرف دکاکن خود میکنند و همه ساکت هستند و در منع اظهار و اقدامی نمیتوانند مختصر این دو آب انبار که دو کرور قیمت دارد آبر باین وضع حالیه باشد خراب و از حیز انتفاع خواهد افتاد مگر امید است که اولیا و رجال دولت علیه و امنای شریعت مطهره توجیهی در این بابت بفرمایند که این بنای خیر و یادگار عهد عتیق منهدم نشود که اسباب رفاه حال خاق الله و باعث خوشنودی خدای و رسول و مزید دعاوتی بوجود ایشان خواهد بود -

خیر مقدم

جناب نجات اصاب نخرالتجار حاجی میرزا علی اصغر آقا افتخارالتجار که نجار تخانه معظم موسوم به (حاجی علی اکبر تاجر شیرازی و پسران) در طهران و لندن و منچستر متعلق به ایشان و سالهاست برقرار و مستغنی از توصیف و اشهار است در این اوقات بزم مسافرت بفرنکستان و ملاقات برادر والا کهر خود جناب آقا میرزا حسین آقای اعتمادالتجار که رئیس آفیس لندن ایشان است و دیدار فرزند ارجمند خود آقا میرزا محمد آقا که نیز در لندن مشغول تحصیل هستند و سرکشی و باز دید امور و

تنظیم و بسط در دائرة اخبارشان تاریخ روز فیه ۱۳
 شهر جاری سلامت وارد بوشهر شدند -
 (فصل از حالات تاریخی مسلمانان جمع الجزائر -
 (عطف سابق)

بعد از اینکه (راون رحمت) خدمت شاه (مجاہدت) رسید قایت درجه درمیانه آنها الفت شد و محبت مخصوصی به (راون رحمت) پیدا کرد. پادشاه مجاہدت اگر چه خود اسلام قبول نکرد و منشأ خویش را من باب اسلام قلمر نمود. ولی از محبتی که براون رحمت پیدا کرده بود شهر (امیل) که در ساحل شرقی و جنوبی شهر (کریسک) واقع و دارای سه هزار خانوار بود براون رحمت واکذار نموده و در ادای مراسم اسلام و با اختیار مسلمان شدن اهالی آن قریه را اجازت داد - در هر سه قریه (راون رحمت) غالب یافتندگان شهر (امیل) را بدین مقدس اسلام در آورده در جزیره جاوه مخصوصاً شهر (امیل) دارالاسلام شد و براون رحمت در تمام جزائر جاوه بلند آواز گردید و در قایت جانفشانی و کمال اخلاص در ترویج دین مقدس اسلام سعی و جاهد است. از آوازه (راون رحمت) مولانا اسحاق که از فضلاء دعات اسلام بود در (امیل) باطانت راون رحمت وارد شد حکومت (امیل) مولانا اسحاق را مأمور در (بالم بنکن) که در زاویه شرقی جاوه واقع است بجهت دعوت اسلام فرستاد مولانا اسحاق وقتیکه به (بالم بنکن) رسید پادشاه (بالم بنکن) را دختری بود در نهایت و جاهت و پدر با او کمال انس و داشت - دختر بسیار شد مولانا اسحاق آن دختر را ازین طریقه معالجه نمود پدر دختر در ادای این مهر بانی و احسان همان دختر را بنکاح مولانا اسحاق در آورد قبل از نکاح آن دختر مسلمان شد و پادشاه هم اجازت قبول دین اسلام ب او داد وقتی مولانا اسحاق خواست در علاج دختر پادشاه (بالم بنکن) اقدام نماید پادشاه معاهده نمود که اگر این دختر شفا یافت باید خود او نیز علانیه در مذهب اسلام در آید این عهد و میثاق میان پادشاه و مولانا اسحاق شده بود پس از چندی مولانا به پادشاه سخت گرفت که موافق عهد و میثاقیکه میان من و تو بسته شده باید اسلام را علانیه قبول کنی پادشاه

از مولانا اسحاق رنجیده حکم نمود که مدارایه را از مملکت او خارج نمایند. زوجه مولانا اسحاق که دختر پادشاه بود از مولانا حمل داشت پادشاه حکم داد که بعد از تولد طفل را بقتل رسانند - چون آن طفل بدنیآ آمد مادر او را غنی داشت و فرستاد در شهر (کریسک) نزد زن منمولى از اسلامیان که بیوه بود. آن زن مثل فرزند خود آن طفل را پرورش نمود و تعلیم و تربیت داد وقتیکه عمر آن طفل بد وازده رسید نزد (راون رحمت) فرستاد کویا حق را بحق دارین سپرد. بعد از آنیکه (راون رحمت) از کیفیات و حالات آن طفل واقف شد نام ویرا (راون پاکو) نهاد و با دختر خود عقد بست در مقام (کری) که در جنوب غربی شهر (کریسک) واقع است (راون پاکو) بنای یک باب مسجد نهاد و در (کری) هزارها نفوس را بدین مقدس اسلام فائز نمود - بقدری مردم باور سوخ و عقیدت پیدا کردند که پس از رحلت (راون رحمت) پادشاه مجاہدت مجبوراً (راون پاکو) را در شهر (امیل) و (کریسک) فرماقرماً مقرر کرد بعد از پنجسال بر بادى و خرابی پادشاهت مجاہدت (راون پاکو) هم رحلت کرد در آن اوقات چند جماعت از دعات اسلام در مقامات مختلفه روانه کرد و پسران (راون رحمت) در ساحل شمال جاوه هزارها مردم را بدین اسلام در آوردند راون رحمت يك هیئت دعات اسلام را بریاست خلیفه حسین روانه جزیره (مدورا) نمود خلیفه حسین وقتی در (مدورا) رسید بنای تعمیر مسجد نهاد و بسیاری از اهل مدورا را مسلمان کرد (باقی دارد)

(استحکام جدید)

بتاریخ ۱۵ شهر ربیع الثانی موازی شش همراه توب قلعہ کوب از جمله توبهاییکه حسب الامر دولت قوی هوکت علیه ایران از کارخانه جات فرنگستان اقیاع شده بود در جهاز موسوم به (تکریر) وارد بندر بوشهر گردید توبهای مذکور از اقسام تبه جدید الاختراع که لوله بعضی از آن بوزن (دو تن -) ششصد تن تبریز (و برخی) پنج تن - هزار و پانصد تن تبریز میباشد - چون هنوز بار نامچه و صورت خرید و مصادف آنها نرسیده است تفصیل اهمیت این اشکال را بعداً خواهیم نگاشت - از فراریکه اطلاع حاصل

شده چند فرمهندس مخصوص از مهندسين تويخانه قاهره با چند نفر اجزاء لايق بجهت ساختن قلعه و تدارك استحکامات لازمه در خليج فارس از طهران حرکت نموده و رهسپار بدینصوب میباشند ولی معلوم نیست که این قلعه و استحکامات در کدام نقطه از بنادر مزبور بنا میشود الشاهانه پس از معلوم شدن عرض چشم روشنی وطن خواهان درج در اخبار مینمایم (مظفری)

مکتوب بوشهر

جناب مستطاب اجل آقای سالار معظم حکمران بنادر برای تصرف نمودن جزیره شیف يك همراه توپ با یست نفر تویچی به همراه امان الله خان سرهنگ تويخانه در دو ماشوه چندی قبل فرستاده شیف را تصرف نمودند و نجف خان برادر احمد خان را دستگیر نموده آوردند بوشهر - شیف را البته میدانید که جزیره میباشد دارای يك تل و دو باب آبار است که يك دو نفر مستحفظ آنجا نشسته بودند برای اخذ راه داری باسم مستحفظی راه کرك برای انتظام کار خود میخواست آنرا در تحت اداره بیاورد حکام سلف برای مبابی که هر ساله میکردند راضی نمی شدند حکمران حالیه که مقامش ارجند تر از این هاست ضابطی دهات آن حدود را بدیگری داده استثنای شیف احمد خان انگالی که مباشر سابق بود از آن وقت تا حال در سر طویله حکومت بست است - اراضی مشهور به سبخه (که سابقاً بواسطه طغیان و جزر و مد دریا متصل حنغن بود) و حاجی محمد مهدی ملک التجار بوشهر (مدحت الدوله) چندی قبل سدی بست و اولیای دولت اراضی موصوف را در راه این خدمت مشارالیه تقویض فرمودند مشارالیه هم فروخت حال بقدر چهار ذرع سد خراب شده باز به همان قرار سابق آب جنوبی بحرای بوشهر را میکبرد حکومت در صدد است که اسباب تعمیر برای سد مذکور فراهم دارد

طویله السمر

اخبار تربیون از (جنیوا) رقطراز است که در البانیای (ترکی) این ایام اسمعیل نامی رحمت نموده مشارالیه در سنه (۱۷۴۱) متوفی شده یعنی در وقت

دخلت همرش به یکصد و شصت و هجده بود تمام آخرین قوای جسمانی او خوب و هوش و حواسش بجا بود دو سال قبل قوای او چنان قوی بوده که روزی ۱۱ میل پیاده طی می نمود و دندانهای وی بحالت جوانی باقی بود و متوسط القامت بود

اخبارات خارجه

در موضع (اتاولی) که واقع در ایالت بسارییه است دینیه که دارای هزار اشرفی بوده برآمده بر آن اشرفیها نام قاب (والسیلوس) بخط یونانی منقوش است - قاب نام پدراستندر اعظم است در جزیره (قبرص) مأموری که در کشف آثار عتیقه تحقیق مینمود چند یادگار های قدیم را از زمین خارج نموده من جمله بت بزرگی بیرون آمده که از يك قطعه سنگ مرمر است

فرمان اعلیحضرت اقدس ساعانی صادر شده که جناحه در ایستگاه راه آهن دمشق قبله نائی قائم شده در ایستگاه راه آهن حجاز نیز در جده قبله نائی قائم دارند

پادشاه (سرویا) با زوجة محترمة شان از اعلیحضرت سلطانی اجازه حاصل نموده که بطریق سیاحت در خاک عثمانی سیر و سیاحت نمایند

اخبارات انگلیسی می نویسند که اعلیحضرت امپراطور روس مدتی ساهی بود که در طهران مدرسه در زبان روسی افتتاح نماید آنچه معلوم می شود درین خصوص کامیاب گردیده یعنی در طهران مدرسه برای تعلیم زبان روسی افتتاح کرده و نیز ساهی است که چند مدرسه دیگر در ایران جاری نماید - درین باره اطلاعی با دارة جبل المتین نرسیده دور نیست که تاکنون افتتاح مدرسه نشده باشد بعدها بشود امر دیگر است چون رجال دولت ما از قیاسات این گونه امور واقف نمی باشند خدا کند از این بدترها در باره ایران و ایرانیان ننویسم

امیر حبیب الله خان اصول والد خود را در باره قشون مرعی داشته مکمل مینماید و طریقه (سکیم) را جاری می سازند - طریقه سکیم این است که از ۸ نفر يك نفر بطریق لزوم عامل در لشکر شوند و ازین رو بصول صحیح مردم شماری افغانستان می شود که

است و امید قوی بجان امت که بر حسب محو
فیصل شود.

§ (لورد سالسبری) صدر اعظم سابق بسبب علالت
اجازه در عدم شرکت جشن تاجگذاری حاصل
نمود.

§ (مستر برادرک) در دارالشورای ملی اظهار
داشت که در سال آینده افسر جدیدی در مدرسه
نظامی (سندهرست) مقرر و تظیر در انتظام و
تدریس او نیز داده خواهد شد.

§ اداره هند اظهار داشته که تا بحال معین نیست
که (دیوک آف کنات) بنامشای جشن تاجگذاری
در بار دهل خواهند رفت یا نه.

بدین خیال که احدی از فیضان جشن تاجگذاری
اعلیحضرت پادشاه انگلستان محروم نماند ملکه عالی
انگلستان به کشیش بزرگ لندن حکم داده که بلازمین
که امداد شان بالغ بر ده هزار خراست یک تنه و
یک یساره جانی از صرف شاهانه بدهد.

حکومت مصر در اسکندریه چند نفر تصابان که
گوشت خراب و حیواناتی مریض ذبح مینمودند سزای
قید و جرمانه نمود.

✽ اخبارات داخله ✽

§ حکمه پلیس علیپور شش نفر هندو را گرفتار
نموده بجرم قارذوبیت رویه جرمانه شان نموده است.
§ و همچنین (کالی کریشنا کموس) که یکی از اربابان
(ماهو پور) است بجرم اغوا نمودن و فرقت زنی
را که از خانه شوهر خود بیرون آورده پکسال حکم
به حبس سخت داد.

(اخبار دیلی نیوز) می نویسد که (سرمایکل
مکس بیچ) در ماه ستمبر روانه هندوستان خواهد
شد و دور نیست رسماً در بار تاجگذاری دهل
شرکت نماید.

بقول یکی از داکتران مجرب انگلستان اگر کسی را
سک دیواه بکزد فوری روغن (طرمین تین) را در همان
مقام که سک کزیده بآلند سم آن در جسم سرایت
نخواهد کرد.

انفوا است که دولت انگلیس دو نفر از دوستان
را که نزد هندوستان بجهت میر و تنه کشیده آمدند حکم

میزان قوه عینتی انگلستان را بدست گیرند که در وقت
ضرورتاً بدین اصول چه قدر لشکر مهیا میتوان شد
§ برخی حیضه بعدت در قاهره شیوع یافته قشون
انگریز در میدان حیمه زده - در مصر نیز وبای
جهاکی منتشر است.

§ بابعالی حکم نموده که مواشی خصوصاً گاو را از
ممالک دیگر طلب کرده قیمت آنها از سنگ زوداعی
داده باشند سپس مبلغ مزبور را از دخل اراضی حاصل
خواهند نمود و در سنگ جمع خواهند ساخت.

§ در اجزای شورای خاصه سلطنت (کینت) تبدیلات
چند واقع شده رسماً هم اشاعه یافته است از اجزای تعلیمات
[مستر ویندهم] از اعضای [کینت] قرار یافته -

(لاردهندری) صدر اداره تعلیمات مقرر شده -
(مستر ریچی) با اداره وزارت مالیه اختصاص یافت و

(مستر اکرز دکلس) با اداره وزارت خارجه و (مستر
آستن چپرلین) بمسئله وزارت پوست مقرر گردید اساسی
آنیکه از عضویت (کینت) اخراج شده اند (دی ارل
آف دربی) لارده لفتنت آف آبرلند (لارده هارویک)

مستشار اداره جنگ (لارده وندسر) مباشر کارخانجات
(سر دیلووالرند) مستوفی (دچی آف لنکاستر) - و
(ارل پرسی) مستشار اداره هند -

§ روزنامه (طمس) خبر یافته که مصلحت گذار
فرانسه در سیام بسبب بعض امور ناگوار که واقع شده
از دولت متبوعه خود خواهش نموده که او را باز
طلبند -

§ اداره خارجه دولت فرانسه بیان روزنامه (طمس)
را درباره خواهش مصلحت گذار فرانسه مقیم
[بنکاک - سیام] که او را باز طلبند تکذیب نموده -

§ اعلیحضرت امپراطور آلمان از بندر (ریوال)
مراجعت فرموده با (کونت وان بیولو) و (کونت
لسدارف) چند نوبت صحبتهای مفصل نموده اند -

§ پارلمان انگلستان تعطیل شده است
§ در جواب سؤال (سر - ام - بهاو نکری)
در ماه پیش نمودن حساب مصارف میهمانی و پذیرائی
مهمانان و قشون هندوستانی که برای شرکت در جشن
تاجگذاری به انگلستان آمده اند (لارده جارج هلتن)
وزیر هند بیان نمود مسکه در باره مراسمات جاری